



در آستانه‌ی آغاز گفت‌وگوهای صلح؛

قدرت‌نمایی طالبان در زون غرب



در اوضاعی که انتظار می‌رود گفت‌وگوهای بین‌افغانی میان هیأت گفت‌وگوکننده جمهوری اسلامی افغانستان و نماینده‌گان طالبان به زودی آغاز شود، طی روزهای اخیر ولایت‌های زون غرب کشور گواه افزایش چشم‌گیر خشونت‌ها و حملات تهاجمی طالبان بوده است. جنگ‌جویان طالبان به تازگی با حمله بر مرکز ولسوالی غوریان هرات، برای مدتی بخش‌هایی از بازار این ولسوالی را تصرف کردند و با نیروهای امنیتی در مرکز آن درگیر شدند. مقام‌های محلی مدعی‌اند که با رسیدن نیروهای کمکی حملات طالبان عقب زده شده است. در ولسوالی پشتون‌زرغون ولایت هرات طالبان حملات گسترده‌ای را بر مواضع نیروهای امنیتی انجام داده و مدعی‌اند که چندین نیروی امنیتی در زدوخورد با آنان کشته شده‌اند. فراه نیز طی روزهای اخیر گواه حملات طالبان و انفجار دو «موتربمب» در مرکز شهر و ولسوالی پشت‌رود بود.



مطبعه آزادی در آستانه‌ی سقوط؛

ادارات دولتی قروض ۲۰ ساله‌ی خود را تصفیه نکرده‌اند

در سایه‌ی ناامن افراتیت؛

«برخی دختران در بامیان، اجازه ندارند مکتب را به پایان برسانند»

افغانستان و هفت اولویت مهم اقتصادی پس از جنگ

پس از امضای موافقت‌نامه صلح میان امریکا و طالبان، گام‌های مهمی در راستای شروع گفت‌وگوهای بین‌افغانی برداشته شده است. موافقت‌نامه سیاسی میان دکتر عبدالله و اشرف غنی، برگزاری جرگه‌ی مشورتی صلح و آزادی زندانیان طالبان و نیروهای امنیتی، آخرین گام‌ها برای شروع گفت‌وگوهای بین‌افغانی به شمار می‌رود.



چگونه‌گی گذار از جنگ و جای خالی عدالت انتقالی



گذار از جنگی که در ۴۰ سال اخیر این کشور ریشه دوانده، بستگی به بازیگران داخلی و خارجی افغانستان دارد. اگر در این گذار، تلاش شود تا ریشه‌های اصلی منازعه شناسایی و بر اساس آن مناسباتی به وجود آید که در آن، طرف‌های درگیر خواست‌ها و اهداف‌شان را بدون توسل به خشونت مطرح کنند، گامی است ستوده و ارزشمند. ولی جای عدالت انتقالی که...

خلیل زاد برای کمک به شروع مذاکرات بین‌افغانی رهسپار قطر شد

صبح، کابل: زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه امریکا در امور صلح افغانستان، در آستانه شروع مذاکرات بین‌افغانی به دوحه، پایتخت قطر سفر کرده است. وزارت خارجه امریکا گفته است که خلیل‌زاد برای پیش‌برد تلاش‌های امریکا به هدف شروع فوری مذاکرات بین‌افغانی به منطقه سفر کرده است. در خیرنامه وزارت خارجه امریکا که روز شنبه، پانزدهم سنبله نشر شد، آمده است که مردم افغانستان برای کاهش پایدار خشونت و یک توافق سیاسی که به جنگ پایان می‌دهد، آماده هستند. وزارت خارجه امریکا از رهبران افغانستان خواسته است که از این فرصت تاریخی برای صلح استفاده کنند.

این وزارت تأکید کرده است که همه طرف‌ها باید گام‌های مهم را برای رفع موانع شروع مذاکرات بین‌افغانی بردارند.

وزارت خارجه امریکا خاطر نشان کرده است: «اکنون زمان شروع [مذاکرات] است».

خلیل‌زاد در حالی به قطر سفر می‌کند که زمان شروع مذاکرات بین‌افغانی مشخص نشده است. پیش از این قرار بود که هیأت مذاکراتی دولت در اواخر هفته گذشته به قطر سفر کند که تا کنون چندین بار به تعویق افتاده است.

در آخرین مورد قرار شده است که هیأت مذاکره‌کننده صلح حکومت روز دوشنبه به قطر سفر کند.



مدل‌های حل منازعه برای افغانستان و دورنمای مذاکرات صلح دوحه



صلح واژه‌ی آرامش‌بخش و بی‌دغدغه برای هر سرزمین است، اما تامین این آرامش در عمل برای هر کشور جنگ‌زده خیلی طولانی و دشوار است. از این رو افغانستان از جمله کشورهایی است که برای دست‌یافتن به صلح و پایان جنگ با فراز و فرودهای زیادی مواجه بوده و هنوز هم از پایان ماجرا یک دورنمای روشن ندارد. اما آن‌چه در ادبیات صلح و جنگ به عنوان یک نقطه مهم و حیاتی متصور است، این است که...

Cricket Sensation Rashid Khan Joins Monster Energy



Rashid Khan; a true cricket super star, one of the world's best bowler, and now Afghanistan's very first Monster Energy athlete.

Originally hailing from Nangarhar, in the east of Afghanistan, 21 year-old Khan has been smashing records since he turned professional cricketer as a teenager. However it has been during the last two seasons, that Khan has really levelled-up on his meteoric rise to becoming the face of the sport in his home country.

At 19 years and 165 days-old, Khan captained the Afghanistan national side during their first fixture in the 2018 Cricket World Cup Qualifiers. In doing so, he became the youngest-ever captain in international cricket history.

Then having just turned 20 - Khan became the youngest player to top the International Cricket Council's Player Rankings in the One Day International league tables. Just a few weeks later, he topped the ICC rankings again - this time for bowlers in Twenty20 international format matches.

If that was not enough, seven months later, Khan then went on to become the top ICC All Rounder following a sensational performance at the Asia Cup - where he netted 10 wickets and 87 runs at an average of 43.50.

To top it all off in October 2019, Khan got his name even further indelibly etched in cricket history with a tally of 176 wickets in international matches - giving him the record of 'Most International Wickets Taken By A Teenager' in the Guinness Book of World Records.

Now a full member of the Monster Energy family, Khan will be unleashing the beast in his trademark technical style on the international cricket scene, when action resumes for the Afghanistan side later this year.

With the ink drying on his fresh contract, Khan said: "I'm incredibly excited to join Monster Energy. Together I will be pushing to break more records and push to new heights."

For more on Rashid Khan head over to his Instagram here: <https://www.instagram.com/rashid.khan19/>

-Ends-

Images:

<https://mm.monsterenergy.com/ExternalLinks/ExternalDownload?mld=ab3a9ad02efd3b471a9463c5ebf226c10d5859d5>



تغییر هیأت طالبان؛ موانع کلان برداشته شدند

دیگر هیچ دلیل و بهانه‌ای برای تأخیر در آغاز مذاکرات میان حکومت افغانستان و طالبان وجود ندارد. بزرگ‌ترین چالشی که مذاکرات را طی یک هفته گذشته به تأخیر انداخت، عدم آماده‌گی کافی طالبان برای شروع گفت‌وگوها بود. طالبان ظاهراً برای تغییر در ترکیب هیأت ۲۱ نفره خود به وقت بیش‌تری نیاز داشتند. آن‌ها مولوی عبدالحکیم حقانی را که کم‌تر از یک هفته پیش به عنوان یکی از چهار عضو تازه‌ی هیأت مذاکره‌کننده طالبان معرفی شده بود را رییس هیأت مذاکره‌کننده خود تعیین کردند. البته تعیین آقای حقانی به جای عباس ستانکزی، بدبینی‌ها و خوش‌بینی‌هایی را هم به همراه داشته است.

یکی از عواملی که مذاکرات بین‌الافغانی را تا این‌جای کار به تأخیر انداخته، عدم اطمینان حکومت افغانستان از حضور تیم مذاکره‌کننده طالبان در قطر بوده است. واقعیت این است که طالبان در دقیقه نود، تیم مذاکره‌کننده خود را مشخص ساختند. واقعیت دیگر این است که شهرها و روستاهای مختلف کشور در آتش جنگ می‌سوزند و هر روز تأخیر در رسیدن به صلح، مساوی است با جان باختن شمار زیادی از افغان‌ها... نگرانی دیگر این بود است که در جریان مذاکرات صلح نیز طالبان جهت مشوره با رهبری این گروه پی هم به زمان نیاز داشته باشند. طالبان زمانی که با ایالات متحده آمریکا برای توافق صلح مذاکره می‌کردند، پی هم در جریان مذاکرات در پی خریدن زمان برای مشورت با رهبران‌شان بودند؛ هرچند گفته می‌شود که حضور عبدالحکیم حقانی در رأس هیأت طالبان به این دلیل است که آن‌ها برخی از تصامیم دشوار را بدون تماس با رهبری خود در همان دوحه اتخاذ کنند.

حالا با تغییر رهبری هیأت مذاکره‌کننده طالبان باید مذاکرات صلح سرعت بیش‌تری پیدا کند، به ویژه این‌که در سابقه فعالیت‌های آقای حقانی، نقدهایی از آدرس او به رهبری طالبان در زمینه صلح ثبت شده است. مولوی عبدالحکیم قاضی‌القضات شناخته شده طالبان در غرب افغانستان بود؛ قاضی‌ای که قلمرو اصلی حکم‌روایی‌اش ولسوالی‌های شمالی ولایت هرات بوده است.

زمانی که در عید فطر سال ۱۳۹۷ آتش‌بس میان طالبان و حکومت برقرار شد، بسیاری از افراد تحت امر طالبان به مناطق تحت کنترل دولت سفر کردند و در مقابل، سربازان زیادی نیز به مناطق تحت کنترل طالبان رفتند. این اتفاق برای رهبری طالبان چندان خوش‌آیند نبود. رهبری طالبان در عید قربان همان سال هرگز تن به آتش‌بسی شبیه به آتش‌بس عید فطر نداد و از نیروهای تحت امرش خواست که نه به مناطق زیر حاکمیت دولت بروند و نه هم نظامیان دولتی را به مناطق تحت کنترل خود اجازه ورود بدهند. در این میان مولوی عبدالحکیم واکنش نسبتاً غیرمعمولی در برابر این دستور رهبری طالبان نشان داد. او در اعلامیه‌ای که در هرات منتشر کرد و نسخه‌هایی از آن بر در و دیوار مساجد برخی از ولسوالی‌های این ولایت نیز نصب شده بود، به صراحت از نپذیرفته شدن آتش‌بس در عید قربان انتقاد کرده بود. در همان اعلامیه، مولوی عبدالحکیم از هم‌قطارانش در میان طالبان خواسته بود که در نشست‌های صلح شرکت و به گفته او «مسئولیت ایمانی»‌شان را ادا کنند. او در آن اعلامیه هشدار داده بود که اگر طالبان تقاضاهای صلح را بدون قیدوشرط رد کنند، ممکن است مورد انزوای ملی و بین‌المللی قرار بگیرند.

این اعلامیه به صورت گسترده در آن زمان دست‌به‌دست شد، تا جایی که برخی از تحلیل‌گران آن را علامتی آشکار از شکاف میان طالبان در موضوع صلح تحلیل کردند. تا این‌جای کار، دست‌کم مشخص است که او در گذشته روحیه صلح‌طلبانه داشته، اما این‌که مولوی عبدالحکیم به دلیل داشتن روحیه صلح‌طلبانه، رهبری تیم مذاکره‌کننده طالبان را برعهده گرفته یا به دلیل توان‌مندی‌هایی که در دفاع از باورها و سیاست‌ورزی طالبان دارد، مبهم است. منطق حکم می‌کند که سناریوی دوم، بیش‌تر نزدیک به واقعیت باشد؛ چرا که گفته می‌شود مولوی عبدالحکیم در علوم دینی و اجتماعی تبحر بالایی دارد و احتمالاً برای دفاع از آن‌چه ارزش از سوی طالبان و برای این گروه تلقی می‌شود، با هیأت حکومت افغانستان مذاکره خواهد کرد.

واقعیت این است که تا این‌جای کار مسایل مختلف به ویژه وضعیت نامشخص هیأت گفت‌وگوکننده طالبان، منجر به تأخیر در آغاز این مذاکرات شده است. هیأت مذاکره‌کننده حکومت و هیأت طالبان حالا تکمیل شده‌اند. اگر هر دو هیأت اراده صلح داشته باشند، در مقابل چالش‌های خرد و کوچک پیش‌روی گفت‌وگوها سد ایجاد نخواهند کرد. اگر اراده‌ای صلح نباشد، هر چالش کوچک ممکن است به بهانه‌ای جهت توقف گفت‌وگوها بدل شود و این نشست‌ها ماه‌ها و چه بسا سال‌ها به درازا بکشد. طولانی شدن این گفت‌وگوها، بدترین پی‌آمدش علاوه بر جان باختن سربازان دو طرف و مردم بی‌گناه، این است که انتخابات ایالات متحده آمریکا تمام می‌شود و کشورهای کمک‌کننده به افغانستان نیز در نهایت به پروسه صلح بی‌علاقه خواهند شد.

صنعت شیشه‌گری هرات در حال «شکستن» است



خالد رسولانی

شیشه‌گری یکی از هنرها و صنایع دستی قدیمی در جهان است که حالا در هرات با رکود مواجه شده و آتش کوره‌هایش در این شهر باستانی در حال خاموشی است.

حرفه‌ای کهن که سالیان نه چندان دور زمانی که افغانستان مقصد اصلی گردش‌گران خارجی بود، رونق فراوانی داشت و استادان شیشه‌گر با عرق ریختن کنار کوره‌های آتشین نگذاشتند این هنر اصیل از بین برود.

پس از همه‌گیری ویروس کرونا، این صنعت هم دچار بیماری شد و بازار کسب‌وکار آن با رکود روبه‌رو گشت. محمدعوض حمیدی، از شیشه‌گران هرات، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید از یک سال به این سو دکان نسبتاً بزرگش که نزدیک مسجد جامع تاریخی هرات موقعیت دارد، فروش چندانی نداشته است.

این مرد که شیشه‌گری را از پدرش به ارث برده، به حرفه‌اش علاقه‌ی زیادی دارد و تلاش می‌کند تا چراغ آخرین کوره‌های شیشه‌گری هرات هم‌چنان پُرفروغ بماند، اما باز هم دروازه کارگاه شیشه‌سازی او حدود یک سال بسته مانده است.

به روایت او، مشتریان ظرف‌های شیشه‌ای شهروندان کشورهای اروپایی‌اند که بعد از همه‌گیری ویروس کرونا و رکود بی‌پیشینه‌ی صنعت گردش‌گری در جهان، بازار فروش آنان هم با رکود مواجه شده است.

این هنرمند شیشه‌گر برایم قصه کرد که شیشه‌گری حرفه‌ای بسیار دشوار است که باید شیشه‌گر با سختی‌هایش بسوزد و بسازد، اما همین شغل طاقت‌فرسا که حرارت کوره‌هایش بیش از «هزار درجه سانتی‌گراد» است، درآمد زیادی برای شیشه‌گران ندارد.

هنرمندان شیشه‌گر از دولت گلایه دارند و از دید آنان ریاست اطلاعات و فرهنگ برای پشتیبانی از این حرفه برنامه‌ای ندارد و همین موجب رکود صنعت شیشه‌گری در هرات شده است. عبدالغنی نیک‌سیر، نویسنده و پژوهش‌گر تاریخ در هرات، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید این حرفه گذشته‌ی طولانی در افغانستان دارد، اما نه به گونه‌ی امروزی که شیشه‌گران آن را پیش می‌برند.

به گفته‌ی او، در گذشته شیشه‌گران از سنگ‌های گوناگون در ساختن اشیای شیشه‌ای استفاده می‌کردند، اما حالا با ورود شیشه‌های صنعتی به بازار، مواد اولیه کارگاه‌ها را شیشه‌های شکسته تشکیل می‌دهد که این سبب افت کیفیت شیشه‌گری شده است.

به باور آقای نیک‌سیر، شکوه شیشه‌گری به «دوره تیموریان» برمی‌گردد که در آن زمان این حرفه در هرات رونق زیادی پیدا کرد و به دیگر شهرها گسترش یافت. حالا در هرات تنها یک کوره شیشه‌گری قدیمی فعال است که در آن با روش سنتی رنگ آبی را به «شیشه‌های شکسته

دانشگاه دنیا با اهدای بورسیه‌های تحصیلی از کارکرد خبرنگاران تقدیر کرد



۸ صبح، کابل: دانشگاه خصوصی دنیا با اهدای ۲۶ بورسیه لیسانس و ۱۰ بورسیه ماستری به کارمندان رسانه‌ها، از کارکرد خبرنگاران در کشور تقدیر کرد.

جاوید سنگدل، رییس این نهاد تحصیلی روز شنبه، پانزدهم سنبله گفت که خبرنگاران «ستون فقرات جامعه» و «صدای رسای مردم» اند.

وی افزود که برای تقدیر از عملکرد خبرنگاران، این نهاد تحصیلی تصمیم گرفته است که از کارمندان رسانه‌ها در جریان سال‌های آینده حمایت کند و زمینه تحصیل بیش‌تر را برای آنان فراهم سازد.

محمدقیس مومند، معاون استراتژی، برنامه‌ها و توسعه این نهاد نیز گفت که این بورسیه‌ها برای گرمی‌داشت از «بیست‌وهفتم حوت، روز جهانی خبرنگاران» به کارمندان رسانه‌ای اهدا شده است.

وی حین اهدای تصدیق بورسیه‌ها گفت که حدود هشت رسانه از این بورسیه‌های لیسانس مستفید شده‌اند و قرار است این روند برای پنج سال ادامه یابد.

آقای مومند افزود که از میان حدود ۸۰ کاندید برای به دست آوردن بورسیه‌های ماستری دانشگاه دنیا، ده خبرنگار با طی چهار مرحله توانستند که این روند را پشت سر بگذارند.

این در حالی است که به گفته مسوولان در این نهاد تحصیلی، همکاری دانشگاه دنیا برای حمایت از رسانه‌ها در جریان سال‌های آینده هم‌چنان ادامه خواهد یافت.

گفتنی است که روند ثبت‌نام خبرنگاران برای این بورسیه‌ها هم‌زمان با روز جهانی خبرنگاران آغاز شده بود و روند نهایی آن در اوایل ماه روان تکمیل شد.

سارقی که راننده یک موتر را در کابل به گلوله بست، در پی شلیک پولیس کشته شد

۸ صبح، کابل: سه نفر از دزدان مسلح یک راننده را در چهارراهی ترافیک شهر کابل به قصد سرقت موترش به رگبار گلوله بستند. این حادثه ساعت ۲:۰۰ پس از چاشت روز یکشنبه، شانزدهم سنبله رخ داده است. فردوس فرامرزی، سخنگوی پولیس کابل به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که یکی از دزدان در درگیری با پولیس کشته شده و دو تن دیگر پا به فرار گذاشته‌اند.

به گفته فرامرزی، ساعت ۲:۰۰ پس از چاشت بود که به پولیس گزارش شد، سه نفر از دزدان در صدد سرقت یک موتر هستند.

او افزود که پولیس پس از اعزام به ساحه با دزدان به درگیری می‌پردازد که در نتیجه یک تن از دزدان کشته شده است.

سخنگوی پولیس کابل افزود که تلاش‌ها برای شناسایی دو سارق فراری جریان دارد.

به گفته‌ی او، در این درگیری به پولیس آسیب نرسیده است.

طبق معلومات فرامرزی، روز گذشته نیز یک دزد در درگیری با پولیس در منطقه قوای مرکز شهر کابل کشته شده است.

این در حالی است که نگرانی از افزایش سرقت‌های مسلحانه و جرایم جنایی در شهر کابل افزایش یافته است. پولیس کابل روز شنبه اعلام کرد که ۳۴ مظنون جرایم جنایی را در سه روز گذشته از شهر کابل بازداشت کرده است.



عبدالحمید حسینی

مطبعه دولتی آزادی از پرداخت نشدن بدهی اداره‌های دولتی و برخی از نشریه‌های چاپی شکایت دارد. مسوولان در این نهاد می‌گویند که مطبعه دولتی فرمایش‌های برخی سازمان‌ها و اداره‌های دولتی را چاپ و همین‌طور برخی ساختمان‌های این ریاست را در اختیار آن‌ها قرار داده، اما این نهادها نزدیک به بیست سال است که کرایه ساختمان و بهای چاپ فرمایش‌های‌شان به این ریاست را پرداخت نکرده‌اند. براساس سندهای موجود، حدود ۳۱ وزارت‌خانه و اداره دولتی و نزدیک به ۳۰ سازمان دولتی دیگر از بابت «حق‌الطبع» از مطبعه دولتی آزادی بیش از ۱۴۷ میلیون افغانی بدهکار اند. مسوولان این ریاست تصریح می‌کنند، به رغم این‌که بارها از این وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های دولتی خواسته شده است که بدهی‌های‌شان را تصفیه کنند، اما نهادها به این خواست آنان توجه نکرده‌اند. مسوولان هشدار می‌دهند که اگر بدهی‌های مطبعه آزادی دولتی جمع‌آوری نشود، احتمال دارد این نهاد برجسته حکومت ورشکسته شود. محمدصابر سخا، معاون مالی ریاست عمومی مطبعه آزادی، در صحبت با روزنامه ۸صبح گفت که نزدیک به ۶۰ وزارت‌خانه، اداره و سازمان دولتی از بابت بهای چاپ اسنادشان از این مطبعه بدهکار اند، اما این اداره‌ها و سازمان‌ها نسبت به بدهکاری‌شان بی‌توجه بوده و بدهی‌شان را نپرداخته‌اند. او تصریح کرد که این اداره‌ها ۱۴۷ میلیون و ۲۷۶ هزار و ۶۳۵ افغانی از ریاست مطبعه آزادی دولتی بدهکار اند. براساس سندهای موجود، ریاست تلویزیون ملی ۱۶۷ هزار و ۲۶۲ افغانی، ریاست مالی و اداری وزارت زراعت ۶۵۷ هزار و ۵۱۰ افغانی، اداره ملی سرک‌های وزارت ترانسپورت ۱۷۶ هزار و ۹۴۷ افغانی، وزارت عدلیه ۱۱۵ هزار و ۸۷۵ افغانی، وزارت کار و امور اجتماعی ۸۲۸ افغانی، لوی‌سارنوالی ۱۸۸ هزار و ۱۱۶ افغانی، استرهمحکمه ۲ میلیون و ۷۷۹ هزار و ۱۹۳ افغانی، ریاست لوجستیک وزارت دفاع ملی ۲۶۶ هزار و ۸۰۰ افغانی، وزارت صنعت و تجارت ۱۹۰ هزار و ۷۹۰ افغانی، وزارت انرژی و آب ۲۰۴ هزار و ۱۴۶ افغانی، ریاست برق کابل ۲۳۷ هزار و ۴۵۱ افغانی، ریاست «د افغانستان بانک» ۱۳۷ هزار و ۵۸۱ افغانی، وزارت شهرسازی و اراضی ۹۰۱ هزار و ۵۶ افغانی، وزارت امور خارجه ۲ میلیون و ۴۸۴ هزار و ۵۰۰ افغانی، ریاست خزاین وزارت مالیه ۲۰۶ هزار و ۲۸ افغانی، ریاست تعلیمات تخنیک ۴۲۰ هزار و ۲۴۲ افغانی، اداره دارالانشای شورای وزیران ۴۶۴ هزار و ۶۲۰ افغانی، ریاست لوجستیک وزارت امور داخله ۶۶۴ هزار و ۴۳۲ افغانی، وزارت دولت در امور پارلمانی ۴۵۳ هزار و ۳۵۰ افغانی، ریاست دارالانشای کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی ۶۶۰ هزار و ۵۱۸ افغانی، اداره

مطبعه آزادی در آستانه‌ی سقوط؛ ادارات دولتی قروض ۲۰ ساله‌ی خود را تصفیه نکرده‌اند

محمدصابر سخا، معاون مالی ریاست عمومی مطبعه آزادی، در صحبت با روزنامه ۸صبح گفت که نزدیک به ۶۰ وزارت‌خانه، اداره و سازمان دولتی از بابت بهای چاپ اسنادشان از این مطبعه بدهکار اند، اما این اداره‌ها و سازمان‌ها نسبت به بدهکاری‌شان بی‌توجه بوده و بدهی‌شان را نپرداخته‌اند. او تصریح کرد که این اداره‌ها ۱۴۷ میلیون و ۲۷۶ هزار و ۶۳۵ افغانی از ریاست مطبعه آزادی دولتی بدهکار اند.

مستقل انکشاف زون پایتخت ۳۳۴ هزار و ۵۰۰ افغانی، اداره مستقل اراضی افغانستان دو میلیون و ۱۳۷ هزار و ۷۲۰ افغانی، ریاست صحت عامه پروان ۷۱۸ هزار و ۵۳۵ افغانی، ریاست صحت عامه کاپیسا یک میلیون و ۳۴۰ هزار و ۹۳۵ افغانی، ریاست پشتنی بانک ۱۴۰ هزار افغانی، وزارت معادن ۲۳۲ هزار و ۶۲۷ افغانی، شرکت برق افغانستان ۲۲۷ هزار و ۱۸۲ افغانی، ریاست احصائیه و معلومات ۲۲۸ هزار افغانی، اداره ولسی‌جرگه ۳ میلیون و ۷۴۸ هزار و ۶۰۳ افغانی، اداره محیط زیست کابل ۱۳۸ هزار و ۲۸۰ افغانی و ریاست عمومی تربیت بدنی و سپورت ۲۳ میلیون و ۹۹۶ هزار و ۵۷۸ افغانی از بابت چاپ اوراق از ریاست مطبوعات آزاد دولتی بدهکار اند. ریاست مطبعه آزادی دولتی می‌گوید که این ریاست از سال ۱۳۸۰ تا اکنون فرمایش‌های این وزارت‌خانه‌ها و اداره‌ها را به چاپ رسانده، اما این نهادها تاکنون بدهی‌شان را تصفیه نکرده‌اند. طبق معلومات این ریاست، وزارت‌خانه‌ها و اداره‌های دولتی حدود ۲۳ میلیون و ۹۹۶ هزار و ۵۷۸ افغانی از مطبعه آزادی دولتی قرض‌دار هستند.

به همین ترتیب شماری دیگر از سازمان‌های دولتی نیز بابت چاپ فرمایش‌های‌شان از ریاست مطبعه آزادی دولتی قرض‌دار بوده و تاکنون بدهی‌های‌شان را تصفیه نکرده‌اند. براساس معلومات این مطبعه، ریاست انتشارات کتب بیهقی ۱۰ میلیون و ۲۰۴ هزار و ۴۹۶ افغانی، آمریت افغان اعلانات ۱۳۶ هزار و ۶۱۱ افغانی، روزنامه انیس ۲۹ میلیون و ۱۵۴ هزار و ۹۶۰ افغانی، روزنامه کابل تا میز ۴ میلیون و ۳۴۲ هزار و ۶۱ افغانی، روزنامه هیواد ۱۴ میلیون و ۸۷۳ هزار و ۵۴۵ افغانی، ریاست مالی و اداری ۷ میلیون و ۸۲۱ هزار و ۲۰ افغانی، روزنامه اصلاح هفت میلیون و ۹۵۰ هزار و ۷۰۶ افغانی، دفتر هم‌آهنگی ولایت غزنی ۲۷۲ هزار و ۹۱۶ افغانی، معینیت امور جوانان ۱۰۲ هزار افغانی، ریاست نشرات ۲۱ میلیون و ۴۹۶ هزار و ۶۲۲ افغانی، جریده سیمای بامیان ۱۶۵ هزار و ۴۸۷ افغانی، جریده ورنانگه ولایت پکتیا ۱۳۰ هزار و ۹۹۸ افغانی، جریده آرمان ملی ۵ میلیون و ۵۷۴

هزار و ۲۷۲ افغانی، جریده کاپیسا ۲۳۹ هزار و ۳۴۰ افغانی، جریده پروان ۲۰۹ هزار و ۶۳۶ افغانی، اخبار لوگر ۱۱۲ هزار و ۵۲۱ افغانی، ماهنامه هدف ۱۴۴ هزار و ۸۲ افغانی، ریاست فرهنگ و ادب جریده خورشید ۳۶۷ هزار و ۶۳۰ افغانی، ریاست باستان‌شناسی ۱۱۳ هزار و ۷۶۰ افغانی، نشریه وطنداران یک میلیون و ۵۹۰ هزار و ۹۹۸ افغانی، ریاست فرهنگ و هنر ۶۴۰ هزار و ۴۹۵ افغانی، ریاست کتاب‌خانه عامه ۱۲۵ هزار و ۶۹۹ افغانی، ریاست توزیع روزنامه‌ها ۷۵۰ افغانی، اخبار بغلان ۵۰ هزار و ۱۳۸ افغانی، ریاست آموزش موسیقی ۲ هزار و ۱۹۰ افغانی، ریاست فرهنگ مردم گاهنامه ۲۹۴ هزار و ۱۵۵ افغانی و گالری ملی ۲۶۲ افغانی از بابت چاپ فرمایش‌های‌شان از ریاست مطبعه آزاد دولتی بدهکار اند. این ریاست می‌افزاید که این سازمان‌ها از بیست سال به این سو حدود ۸۶ میلیون و ۷۸۰ هزار و ۳۵۰ افغانی بدهکار اند.

در کنار این محمدصابر سخا بیان داشت که وزارت اطلاعات و فرهنگ از بابت کرایه تعمیر ساختمان‌های مطبعه ولایت‌های پروان، پکتیا و ننگرهار به ترتیب یک میلیون و ۲۸۴ هزار و ۲۰۰ افغانی، یک میلیون و ۱۵ هزار و ۵۰۳ افغانی و ۹۳۶ هزار افغانی از این ریاست بدهکار است. با این‌همه آقای سخا افزود که بارها از این اداره‌ها خواسته شده تا بدهی‌های‌شان را تصفیه کنند، اما آن‌ها به این خواست‌ها توجه نکرده و بدهی‌های‌شان را نپرداخته‌اند.

آقای سخا پرداخت نشدن حق‌الزحمه مطبعه دولتی را بحران‌آفرین خواند و افزود، در صورتی که حق‌الزحمه مطبعه آزادی دولتی از سوی این اداره‌ها پرداخت نشود، این ریاست ورشکست خواهد شد. معاون مالی ریاست عمومی مطبعه آزادی خاطر نشان کرد که هم اکنون این اداره توان پرداخت معاش کارمندان را ندارد. مطبعه آزاد دولتی بیش از ۳۰۰ کارمند در مرکز و ولایات دارد و از چندی به این سو معاش آنان پرداخت نشده است. با این حال آقای سخا یادآور شد که چندین بار به کمیته اقتصادی ارگ ریاست جمهوری و سایر نهادها مراجعه

کرده است، هرچند به گفته او این نهادها امر پرداخت این بدهی‌ها را صادر کرده، اما این وزارت‌خانه‌ها تاکنون بدهی‌های‌شان را تصفیه نکرده‌اند. در همین حال شماری از وزارت‌خانه‌ها می‌پذیرند که از مطبعه آزادی قرض‌دار هستند. این وزارت‌خانه‌ها تأکید می‌کنند که به زودی بدهی‌شان را تصفیه می‌کنند. وزارت اطلاعات و فرهنگ که یکی از مقروضان این مطبعه است، ضمن تأیید بدهکاری‌اش می‌گوید که این وزارت بدهی‌اش را می‌پردازد. عبدالمنان شیوای شرق، معین نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ، به ۸صبح گفت که مطبعه دولتی جزوی از ریاست‌های این وزارت است و در حقیقت وزارت اطلاعات و فرهنگ از یکی از ریاست‌هایش بدهکار است. او گفت که این وزارت منکر قرض‌داری‌اش نیست و قرض را به این ریاست پرداخت می‌کند. شیوای شرق افزود که مطبعه آزادی جزوی از وزارت اطلاعات و فرهنگ است و هنوز تصدی نشده است. به گفته او وزارت‌خانه‌های دیگر که از این بابت قرض‌دار هستند، در حقیقت از وزارت اطلاعات و فرهنگ بدهکاری دارند.

این در حالی است که محمدصابر سخا، معاون مالی ریاست عمومی مطبعه آزادی، می‌گوید که این مطبعه یک تصدی و از لحاظ کارکرد مستقل است. او افزود که وزارت اطلاعات فرهنگ تنها رهبری می‌کند و در امور کار آن مداخله ندارد. به گفته او وزارت اطلاعات و فرهنگ باید از روزنامه‌ها و جرایدی که به چاپ می‌رساند، حق‌الزحمه به این ریاست بپردازد.

در عین حال شیوای شرق تصریح می‌کند که پس از این روزنامه‌های دولتی دچار تحول شده و رنگه به چاپ می‌رسند. او گفت که این ریاست مکلف است تا مطبعه‌اش را به‌روز کند و روزنامه‌های این وزارت را رنگه به چاپ برساند.

گفتنی است که مطبعه آزادی دولتی از یک‌دوپنجه‌سال به این سو ورق‌ها، روزنامه‌ها و جراید دولتی را به چاپ می‌رساند. این مطبعه با ماشین‌های عصری مجهز است.

در آستانه‌ی آغاز گفت‌وگوهای صلح؛

قدرت‌نمایی طالبان در زون غرب

سبب ایجاد مشکلات فراوانی برای ساکنان بادغیس شده است.

بخش زیادی از نیازمندی‌های بادغیس از هرات و از طریق بزرگراه هرات - بادغیس تأمین می‌شود و ناامنی در این مسیر پی‌آمدهای ناگوار اقتصادی برای ساکنان شهر قلعه نو ولسوالی‌های بادغیس به دنبال دارد.

حملات پراکنده طالبان در فراه و غور

افزون بر ولایت‌های هرات و بادغیس، طالبان در غور نیز بالای نیروهای امنیتی حمله کرده‌اند. وزیر نورانی، از فعالان مدنی غور، به این باور است که افزایش خشونت‌ها در اوضاعی که مردم گوش به زنگ آغاز گفت‌وگوهای صلح‌اند، نگران‌کننده است.

به گفته‌ی او، در کنار درگیری‌های کوچک در برخی ولسوالی‌ها و مناطق دوردست، نیروهای امنیتی یک بار دیگر از مرکز ولسوالی «مرغاب» عقب‌نشینی کرده و مناطق زیر کنترل‌شان را بدون درگیری به طالبان واگذار کرده‌اند.

در فراه نیز چند روز پیش انفجار مرگباری در نزدیکی فرماندهی پولیس این ولایت روی داد و پس از آن هم ولسوالی پشت‌رود گواه انفجار یک موتر بمب‌گذاری شده بود. شاه‌محمود نعیمی، عضو شورای ولایتی فراه، از درگیری‌ها میان طالبان و نیروهای امنیتی در ولسوالی بالابلوک نیز خبر می‌دهد.

از دید مقام‌های محلی در ولایت‌های زون غرب کشور، افزایش چشم‌گیر حملات طالبان و شدت گرفتن خشونت‌ها طی روزهای اخیر، انگیزه‌های سیاسی دارد و طالبان می‌خواهند در آستانه‌ی آغاز گفت‌وگوهای صلح، امتیازگیری کنند.

هرچند مردم به آغاز گفت‌وگوهای بین‌افغانی میان نماینده‌گان حکومت و طالبان و نتایج مثبت آن برای برقراری صلح دل خوش کرده‌اند، اما بازم ناقوس جنگ هم‌چنان میان دو طرف درگیر نواخته می‌شود و این درگیری‌ها از مردم عادی قربانی می‌گیرد.

شش تانک زرهی تخریب شده است. قاری احمدی می‌گوید نبرد میان دو طرف زمانی آغاز شد که نیروهای امنیتی عملیاتی را در ولسوالی پشتون‌زرغون برای آماج قرار دادن طالبان آغاز کردند. او می‌افزاید که در این درگیری یک چرخ‌پال نیروهای ارتش از سوی طالبان آسیب دیده و سپس آتش گرفته است.

مقام‌های محلی هرات ادعاهای مطرح شده از سوی طالبان را بی‌بنیاد دانسته و از راه‌اندازی «بزرگ‌ترین عملیات» برای سرکوب طالبان در ولسوالی پشتون‌زرغون خبر می‌دهند. سیدوحید قتالی، والی هرات، به این باور است که عملیات نیروهای امنیتی در بخش‌های گوناگون هرات دست‌آورد‌های خوبی داشته و در جریان آن تلفات سنگین به طالبان وارد شده است.

نبردهای سنگین در بزرگراه هرات - بادغیس

در همسایه‌گی هرات، ولایت بادغیس نیز طی روزهای گذشته گواه نبرد شدید میان نیروهای امنیتی و طالبان بوده است. افزون بر درگیری‌های پراکنده در برخی ولسوالی‌ها، بزرگراه هرات - بادغیس به میدان اصلی نبرد حکومت و طالبان بدل شده است.

محمدمحموظ ولی‌زاده، فرمانده پولیس ولایت بادغیس، می‌گوید در عملیات پاک‌سازی مسیر بزرگراه هرات - بادغیس از وجود طالبان، دست‌کم ۱۵ جنگ‌جوی این گروه کشته و پنج تن دیگر زخمی شده‌اند.

طالبان از چند روز قبل با حضور گسترده در بخش‌هایی از بزرگراه هرات - بادغیس، در مسیر راه «یست‌های بازرسی» ایجاد کرده و پرچم‌های‌شان را برافراشته بودند. افزایش ناامنی‌ها در این مسیر مهم ارتباطی

چشم‌گیری داشته است. طالبان روز شنبه، پانزدهم سنبله، با حمله‌های هم‌زمان بر چند منطقه در ولسوالی غوریان، برای چند ساعت قسمت‌هایی از بازار ولسوالی را تصرف کردند.

سیدوحید قتالی، والی هرات، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌پذیرد که جنگ‌جویان طالبان وارد بازار ولسوالی غوریان شده و با نیروهای امنیتی به درگیری پرداخته‌اند. به گفته‌ی او، با رسیدن نیروهای کمکی از مرکز هرات، طالبان با قبول تلفات زیاد ساحه را ترک کرده‌اند.

عبیدالله نوری، فرمانده پولیس هرات، برای بررسی وضعیت امنیتی غوریان روز شنبه به این ولسوالی سفر و از نزدیک وضعیت را نظارت کرد. به گفته‌ی او، وضعیت امنیتی در غوریان رضایت‌بخش است و حملات طالبان دفع شده است.

برخی ساکنان ولسوالی غوریان، در صحبت با روزنامه ۸صبح مدعی‌اند که حملات طالبان بر این ولسوالی چنان گسترده بوده که جنگ‌جویان طالبان هم‌زمان با تصرف بازار، بر فرماندهی پولیس و مدیریت امنیت ملی نیز حمله‌ور شده بودند.

جنگ شدید در ولسوالی پشتون‌زرغون

نبردها میان طالبان و نیروهای امنیتی تنها در ولسوالی غوریان هرات خلاصه نمی‌شود. از چند روز پیش درگیری‌های شدید میان طالبان و نظامیان افغانستان در ولسوالی پشتون‌زرغون نیز جریان دارد.

قاری یوسف احمدی، سخنگوی طالبان، ادعا دارد که در پی درگیری جنگ‌جویان این گروه و نیروهای حکومتی در مناطق «گل‌میر و ده شیخ» ۳۴ تن از نظامیان افغانستان کشته یا زخمی شده‌اند و دست‌کم

در اوضاعی که انتظار می‌رود گفت‌وگوهای بین‌افغانی میان هیأت گفت‌وگوکننده جمهوری اسلامی افغانستان و نماینده‌گان طالبان به زودی آغاز شود، طی روزهای اخیر ولایت‌های زون غرب کشور



محمدسین نیکخواه

گواه افزایش چشم‌گیر خشونت‌ها و حملات تهاجمی طالبان بوده است.

جنگ‌جویان طالبان به تازه‌گی با حمله بر مرکز ولسوالی غوریان هرات، برای مدتی بخش‌هایی از بازار این ولسوالی را تصرف کردند و با نیروهای امنیتی در مرکز آن درگیر شدند. مقام‌های محلی مدعی‌اند که با رسیدن نیروهای کمکی حملات طالبان عقب زده شده است.

در ولسوالی پشتون‌زرغون ولایت هرات طالبان حملات گسترده‌ای را بر مواضع نیروهای امنیتی انجام داده و مدعی‌اند که چندین نیروی امنیتی در زدوخورد با آنان کشته شده‌اند. فراه نیز طی روزهای اخیر گواه حملات طالبان و انفجار دو «موتربمب» در مرکز شهر و ولسوالی پشت‌رود بود.

برخی ولسوالی‌های ولایت غور نیز گواه تحرکات طالبان بود و نیروهای امنیتی بار دیگر از مرکز ولسوالی «مرغاب» عقب‌نشینی کردند. در بادغیس هم درگیری‌های شدید میان نیروهای ارتش و طالبان در مسیر بزرگراه هرات - بادغیس به قوع پیوست.

ورود طالبان به بازار ولسوالی غوریان

در جریان روزهای اخیر حملات طالبان بر مواضع نیروهای امنیتی در بخش‌های گوناگون هرات افزایش

افغانستان و هفت اولویت مهم اقتصادی پس از جنگ

یکی از بنیادی‌ترین مواردی که همواره نادیده گرفته می‌شود، بستر اقتصادی منازعه‌خیز افغانستان است که از یک طرف پایداری روند صلح را تهدید می‌کند و از طرف دیگر، مستعد زمینه‌های تازه و فراگیر برای شکل‌گیری خشونت‌های جدید می‌باشد. تاریخ سیاسی و اقتصادی این کشور نشان می‌دهد که ثبات سیاسی و حکومت‌داری خوب به دلیل ناتوانی در ایجاد اقتصاد قانونی و خودکفا به لحاظ مالی، همواره با چالش مواجه بوده است.



پوهتمل رضا فرزام استاد اقتصاد در دانشگاه کابل

پس از امضای موافقت‌نامه صلح میان آمریکا و طالبان، گام‌های مهمی در راستای شروع گفت‌وگوهای بین‌الافغانی برداشته شده است. موافقت‌نامه سیاسی میان داکتر عبدالله و اشرف غنی، برگزاری جرگه‌ی مشورتی صلح و آزادی زندانیان طالبان و نیروهای امنیتی، آخرین گام‌ها برای شروع گفت‌وگوهای بین‌الافغانی به شمار می‌رود.

این گام‌های سیاسی مهم، هر چند چشم‌انداز خوش‌بینانه‌ای خلق کرده است، اما هنوز هم نگرانی‌های جدی در مورد آینده این کشور و دست‌آوردهای دو دهه اخیر به قوت خودش باقی است. پیش‌فرض مهم در شرایط فعلی این است که به نتیجه رسیدن گفت‌وگوهای بین‌الافغانی باعث کاهش قابل ملاحظه خشونت‌ها خواهد شد و افغانستان فرصتی جدید برای رشد و توسعه به دست خواهد آورد. اما سوال‌ها و نگرانی‌های اساسی در مورد پایداری روند صلح به قوت خود باقی است.

یکی از بنیادی‌ترین مواردی که همواره نادیده گرفته می‌شود، بستر اقتصادی منازعه‌خیز افغانستان است که از یک طرف پایداری روند صلح را تهدید می‌کند و از طرف دیگر، مستعد زمینه‌های تازه و فراگیر برای شکل‌گیری خشونت‌های جدید می‌باشد. تاریخ سیاسی و اقتصادی این کشور نشان می‌دهد که ثبات سیاسی و حکومت‌داری خوب به دلیل ناتوانی در ایجاد اقتصاد قانونی و خودکفا به لحاظ مالی، همواره با چالش مواجه بوده است.

تجربه ۱۸ سال اخیر برای ایجاد زمینه‌های رشد پایدار اقتصادی به صورت ناامیدکننده‌ای با شکست مواجه شده است. یک بخش این ناکامی وابسته به عوامل ساختاری است، ولی بخش مهم دیگر، نتیجه‌ی تطبیق سیاست‌های نادرست و مدیریت ضعیف و ناکارآمد سیاسی و اقتصادی است. هنوز هم بین ۸۰ تا ۹۰ درصد اقتصاد کشور غیر رسمی، غیر قانونی و در کنترل شبکه‌های جرمی است. برای سال‌های طولانی، طالبان، شبکه‌های سازمان‌یافته جرمی و سایر گروه‌های تروریستی، از این بستر وسیع تغذیه کرده‌اند و ماشین‌های جنگی خشن و بی‌رحم‌شان در این بستر به چرخش ادامه داده است. نزدیک به ۷۲ درصد مردم زیر خط فقر زنده‌گی می‌کنند و افغانستان یکی از پنج فقیرترین کشور جهان است. در خوش‌بینانه‌ترین سناریو، دولت تنها بر ۲۰ درصد اقتصاد کنترل دارد. فساد سیستماتیک و تضعیف نهادهای سیاسی مکمل رشد پایدار اقتصادی، زمینه‌های اندک برای تقویت زیربناهای اقتصادی پایدار را با خطر نابودی مواجه کرده است.

شیوع ویروس کرونا شدت و عمق رکود اقتصادی را گسترش داده و با افزایش فقر و بی‌کاری عملاً بدل به کاتالیزوری برای بی‌ثباتی و هرج‌ومرج شده است.

با در نظر داشت این پس‌زمینه‌ی نگران‌کننده، دشوار است که بتوان از صلح پایدار سخن گفت. صلح پایدار وابسته به اقتصاد پایدار است و اقتصاد درگیر رکود و با این حجم بزرگ از فقر و بی‌کاری، چشم‌انداز صلح را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. بنا بر این برای جامعه جهانی و افغانستان پس از جنگ، یکی از اولویت‌های بنیادین، خلق زمینه‌های فراگیر برای رشد پایدار اقتصادی است. رشد پایدار اقتصادی مستلزم طرح برنامه جدید اقتصادی است که با در نظر داشت تجربه‌های ناکام ۱۸ سال اخیر، طراحی و تطبیق شود.

اولویت‌های اقتصادی پس از جنگ

افغانستان به صورت فوری نیازمند برنامه جدید، جامع و زمان‌بندی شده برای گذار به اقتصاد پایدار است تا ضمن توان‌مندسازی اقتصاد داخلی، بستری مساعدی برای پایداری صلح و ثبات خلق کند. پس از هژده

سال تجربه‌ی ناموفق، ضرورت بازنگری سیاست‌های اقتصادی بیش‌تر از هر زمان دیگر در اولویت قرار دارد. این بازنگری بر مبنای تجربه‌های دو دهه اخیر هم از طرف دولت افغانستان و هم همکاران بین‌المللی به گونه‌ای صورت بگیرد تا با ایجاد نقشه راه جدید، چشم‌انداز روشن‌تری برای آینده اقتصاد این کشور ترسیم کند.

کاهش فقر در محور برنامه‌های اقتصادی قرار دارد. پس از شیوع کرونا، افزایش تعداد افرادی که زیر خط فقر قرار دارند از ۵۴ درصد به ۷۲ درصد، و کاهش رشد اقتصادی تا ۷.۵- درصد، افغانستان را در زمره‌ی یکی از پنج کشوری در جهان قرار داده است که با خطر قحطی مواجه‌اند. با توجه به محدود بودن امکانات رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت، اولویت دادن به برنامه‌هایی که منجر به کاهش فقر شود، میزان آسیب‌پذیری‌های سیاسی و اقتصادی ما را کاهش می‌دهد.

اولین اولویت اقتصادی، لزوم مشارکت موثرتر و هدف‌مندتر دولت در امور اقتصادی است. در قانون اساسی پس از طالبان، نظام اقتصادی افغانستان نظام بازار تعریف شده است. گنجاندن این ماده مهم در قانون اساسی، بر اهمیت تاکید این قانون بر ارزش‌های جامعه‌ی آزاد افزوده است.

نظام بازار، مؤثرترین و نه لزوماً کامل‌ترین مکانیسم برای استفاده درست از منابع اقتصادی و دست‌یافتن به رفاه بالاتر به شمار می‌رود. بر علاوه، همان‌گونه که لیبرال‌هایی مثل میلتون فریدمن استدلال می‌کنند، این نظام با توزیع گسترده قدرت اقتصادی و شکست‌اندن انحصار اقتصادی دولت، زیربنای مستحکم‌تری برای تقویت ارزش‌های دموکراتیک خلق می‌کند. به همین دلیل نیاز است تا دفاع از آزادی اقتصادی در کنار آزادی‌های سیاسی و مدنی، یک اولویت مهم در گفت‌وگوهای بین‌الافغانی برای تیم مذاکره‌کننده باشد.

اما گنجاندن ماده‌ای در قانون اساسی، لزوماً منجر به ایجاد تجربه موفق این نظام نمی‌شود. برای موفقیت مکانیسم بازار، پیش‌زمینه‌های حیاتی باید ایجاد شود تا این نظام از الیگارشی و هرج‌ومرج به‌دور بماند. به عبارت دیگر، تجربه‌های موفق اقتصادی نشان می‌دهد که موفقیت معجزه‌آمیز بازار تنها زمانی اتفاق می‌افتد که ترکیب هوش‌مندانه‌ای از دولت و بازار ایجاد شود و دولت با ایجاد چارچوب‌های قانونی و ساختاری برای تطبیق این نظام و نظارت مداوم از عمل‌کرد آن، بستری برای مؤثریت این نظام خلق کند.

برعلاوه نیاز جدی وجود دارد تا دولت افغانستان با صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی وارد گفت‌وگو شود تا آزادی عمل بیش‌تر در زمینه طرح و تطبیق سیاست‌های اقتصادی را به دست بیاورد. افغانستان قلمرو تطبیق سیاست‌های اقتصادی نیولبرال بوده است که از طرف این نهادها حمایت می‌شود. تصور می‌شود یک عامل مهم در تداوم رکود و نابسامانی‌های اقتصادی این سیاست‌ها بوده است. نهادهای بین‌المللی مالی پس از ۱۸ سال تجربه ناموفق از تطبیق این سیاست‌ها، باید به این نتیجه رسیده باشند که برای کشوری فقیر مثل افغانستان مشارکت فعال و مؤثر دولت و روی دست گرفتن سیاست‌های انبساطی‌تر مالی و پولی می‌تواند زمینه‌های فراگیر برای رشد مناسبات بازار و سکتور خصوصی پویا ایجاد کند و تنها اتکا روی سیاست‌های تعدیل ساختاری نمی‌تواند به معجزه‌ی اقتصادی بینجامد.

دومین اولویت اساسی برای افغانستان پس از جنگ، برنامه‌ریزی برای مبارزه با اقتصاد غیر قانونی است. افغانستان قلمرو وسیعی برای فعالیت‌های غیر قانونی اقتصادی به شمار می‌رود. این قلمرو از اقتصاد سیاسی مواد مخدر، تاراج معادن، قاچاق انسان و سلاح شروع تا فسادهای سازمان‌یافته در درون بوروکراسی دولت گسترده و فراگیر است. این حوزه، بستر وسیع و فراگیر برای تغذیه و رشد شبکه‌های سازمان‌یافته جرمی، جنایت‌کاران اقتصادی و شبکه‌های تروریستی خلق کرده است. اصلاحات ساختاری و قانونی برای افزایش حوزه اقتصاد قانونی و ایجاد ضمانت‌های جدی برای پایان دادن کنترل طالبان بر این شبکه‌های غیر قانونی، باید بخشی از برنامه اقتصادی پس از جنگ باشد. ۱۸

سال تلاش جامعه‌ی جهانی و دولت برای کاهش اقتصاد جرمی به سختی شکست خورده است. حالا نیاز است تا به صورت جدی به این مشکل پرداخته شود تا فرصتی برای رشد اقتصاد قانونی و ثبات پایدار خلق شود.

سومین اولویت اساسی، خلق مکانیسم‌های کارا جهت مدیریت مؤثر کمک‌های بین‌المللی و جلوگیری از اشتباهات استراتژیک در ۱۸ سال اخیر است. با برقراری صلح، افغانستان برای سال‌های طولانی نیازمند کمک‌های جامعه‌ی جهانی است. بدون تداوم حمایت‌های مالی و تخنیکی جهانی، ناممکن است که از سقوط جلوگیری شود. برعلاوه شکست کمک‌ها برای ایجاد اقتصاد پایدار توسط فسادهای میلیاردری و سوء مدیریت، اثرات تومری برخاسته از آن، این کشور را درگیر پی‌آمدهای نفرین منابع کرد. زمینه‌های اندک برای تقویت سکتور صادراتی از میان رفت و کسر عظیم بیلانس تجارتي کشور هم‌چنان ادامه یافت. حالا نزدیک به ۹۰ درصد از کل دوران تجارتي کشور را واردات تشکیل می‌دهد. تداوم این کسر، هم‌زمان با کاهش روند کمک‌ها، چشم‌انداز رشد اقتصادی در درازمدت را بیش‌تر از پیش تحت تاثیر قرار خواهد داد. اولویت دادن به مؤثریت کمک‌ها به اندازه‌ی جریان کمک‌ها مهم است. جامعه جهانی می‌تواند کمک‌ها را در چارچوب یک برنامه جامع و زمان بندی شده، روی زمینه‌های متمرکز سازند که ظرفیت ساختاری و زیربنایی را افزایش داده و به صورت تدریجی اقتصاد این کشور را توان‌مند سازد.

یکی از حوزه‌های مهم در مصرف کمک‌ها، تقویت سیستم قضایی کشور است. تقویت نهاد قضایی مستقل و غیر سیاسی پیش‌نیاز مهم برای حکومت‌داری خوب، ثبات و شکل‌گیری سکتور خصوصی پویا به عنوان محرک اقتصادی به شمار می‌رود. بدون سیستم قضایی مستقل، سالم و غیر سیاسی، نمی‌توان به نجات افغانستان و شکل‌گیری اقتصاد و جامعه پایدار دل بست. برعلاوه، توجه به افزایش توان مدیریتی نهادهای مالی و پولی مانند وزارت مالیه و بانک مرکزی اولویت مهم دیگر در مصرف کمک‌ها قرار گیرد. وزارت مالیه با وجود دست‌آوردهای نسبتاً خوب، از چالش‌های جدی ساختاری و فساد رنج می‌برد. ظرفیت سازی و حمایت از این دو نهاد محوری مالی و پولی و تقویت ظرفیت پالیسی‌سازی آن‌ها، می‌تواند چشم‌انداز روشنی برای مدیریت مؤثر مالی و پولی، ایجاد ثبات اقتصادی و افزایش توان مالی کشور خلق کند.

حمایت نظام‌مند از آموزش و بهداشت در راستای خلق سرمایه انسانی و ایجاد «هسته ارزش‌های مشترک» برای جامعه‌ای متأثر از شکاف‌های قومی، سمتی و زبانی، به عنوان بخشی از تلاش‌ها برای ایجاد جامعه یک‌پارچه، نیز در محور مصرف کمک‌های مالی پس از برقراری صلح قرار گیرد. دسترسی وسیع به آموزش و خدمات صحتی، خصوصاً با تمرکز ویژه بر زنان، می‌تواند منجر به تقویت پایه‌های ثبات و رشد مشارکتی شود. سکتور معارف و بهداشت از آسیب‌پذیری‌های جدی رنج می‌برد و حمایت هدف‌مند از این دو نهاد مهم می‌تواند ضمانت‌های جدی برای ایجاد جامعه پایدار و رشد اقتصادی خلق کند.

هم‌چنان تمرکز روی مدیریت مؤثر و جامع منابع طبیعی به عنوان عنصر تعیین‌کننده در اقتصاد آینده این کشور، به صورت ویژه مورد توجه قرار گیرد. افغانستان کشور غنی از منابع طبیعی است ولی فقیر به لحاظ داشتن دانش و تخصص مدیریت این منابع عظیم. حمایت از تقویت نهادهای مدیریتی منابع طبیعی، از یک طرف برای رشد اقتصادی پایدار مهم است از طرف دیگر، گام اساسی برای ثبات و جلوگیری از افتادن افغانستان به کام نفرین منابع به شمار می‌رود. بر اساس گزارش‌های متعدد و معتبر بین‌المللی، این نگرانی در حال افزایش است که ناکامی در مدیریت منابع طبیعی، این منابع را در محور منازعه‌ها و خشونت‌های آینده قرار دهد.

بدون تردید، تمام این تلاش‌ها نتیجه نمی‌دهد، مگر این‌که مبارزه سازمان‌یافته برای کاهش فساد روی دست گرفته شود. مبارزه با فساد باید به مثابه‌ی چهارمین اولویت مهم در برنامه اقتصادی پس از جنگ

در نظر گرفته شود. فساد سیستماتیک و سازمان یافته، اعتبار نهادهای دولتی را خدشه‌دار ساخته و روند سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و توسعه سیاسی را با چالش مواجه کرده است. فسادهای بزرگ مالی، افغانستان را به یکی از فاسدترین کشورهای جهان بدل کرده و ناتوانی دستگاه‌های قضایی و برخورد‌های سیاسی جهت رسیده‌گی به این پرونده‌های بزرگ، احتمال به هدر رفتن تلاش‌ها برای ثبات و رشد سکتور خصوصی کارا را افزایش داده است. بنا بر این مبارزه با فساد باید بخشی از برنامه جامع اقتصادی پس از جنگ و اولویت کلیدی برای کشورهای کمک‌کننده به افغانستان باشد. جامعه‌ی جهانی برای اطمینان از به هدر نرفتن کمک‌ها با وضع فشارها و مکانیسم‌های عملی، مانع تکرار تجربه وحشتناک فسادهای میلیاردری دو دهه اخیر شود.

پنجمین اولویت اساسی اقتصادی پس از جنگ، حمایت نظام‌مند از سکتور خصوصی با تمرکز ویژه بالای سرمایه‌گذاری‌های کوچک و متوسط است. سرمایه‌گذاری‌های کوچک و متوسط از یک طرف، از ظرفیت بزرگ برای اشتغال‌زایی و کاهش فقر برخوردار اند و از طرف دیگر، به دلیل ضرورت نداشتن به نیروی کار با تخصص‌های بالا و سرمایه‌ی زیاد، بهترین فرصت برای ایجاد اقتصاد پویا است. حمایت از این نوع سرمایه‌گذاری‌ها با رویکرد صادرات‌محور، می‌تواند در درازمدت منجر به کاهش کسر بیلانس تجارتي نیز شود. سکتور خصوصی با چالش‌های بزرگ قانونی، ساختاری و اداری مواجه است و همواره مورد بی‌مهری دولت و پالیسی‌سازان قرار گرفته است. طرح پالیسی حمایت از سرمایه‌گذاری‌های کوچک و متوسط و فراهم ساختن سهولت‌های مالی و غیر مالی برای رشد این سکتور، یک اولویت مهم برای کاهش فقر، افزایش استخدام و پویایی اقتصادی به شمار می‌رود.

ششمین اولویت، حمایت جامعه جهانی در ایجاد اجماع منطقه‌ای برای همکاری‌های اقتصادی است. پروسه‌ی قلب آسیا و کنفرانس‌های «رکا»، دو سازوکار مهم برای همکاری‌های منطقه‌ای با محوریت افغانستان است. بخشی از پروژه‌های مهم منطقه‌ای که در این سازوکارها مورد توافق قرار گرفته بودند در حال تطبیق است، ولی این پروژه‌های مهم منطقه‌ای به شدت تحت تاثیر تنش‌های سیاسی در منطقه قرار دارد. پروژه‌های بزرگ مثل تابی، کاسا یک هزار، جاده ابریشم دیجیتال و سایر پروژه‌ها از ظرفیت عظیم برای هم‌گرایی‌های اقتصادی برخوردار اند که در صورت تطبیق می‌توانند نقش تعیین‌کننده در تقویت مناسبات منطقه‌ای بازی کنند و منافع اقتصادی کشورهای منطقه را در اولویت قرار دهند. با توجه به تغییر مناسبات سیاسی در منطقه و جهان، ضرورت روی دست‌گیری دیپلماسی فعال اقتصادی یک اولویت اساسی است.

هفتمین اولویت مهم، حمایت جامعه جهانی از جامعه مدنی پویا و رسانه‌های مستقل است. رسانه‌های آزاد و جامعه مدنی پویا نقش بارزی در توسعه سیاسی، ایجاد جامعه پایدار و مبارزه با فساد بازی می‌کنند و حمایت از این نهادها باید بخش مهمی از برنامه‌ی حمایتی پس از جنگ باشد.

تعداد زیادی از این اولویت‌ها کماکان بخشی از برنامه‌های دو دهه اخیر بوده است. اما هیچ گاه به عنوان محور تلاش‌ها برای ثبات و توسعه قرار نگرفته است. پس از جنگ، جامعه جهانی و دولت افغانستان نیازمند است تا با توجه ویژه روی این موارد، زمینه را برای افزایش توان‌مندی تدریجی جامعه و اقتصاد کشور فراهم سازند. با توجه به تجربه هژده سال اخیر، به نظر می‌رسد می‌توان با اطمینان بیش‌تر و امکان موفقیت بالاتر روی این اولویت‌ها تمرکز کرد. بدون شک اراده سیاسی قوی جامعه جهانی و دولت افغانستان شرط ضروری پنداشته می‌شود. اگر فرصت پیش رو درست و مؤثر مدیریت نشود، بدون هیچ تردیدی افغانستان هم‌چنان کانون بی‌ثباتی، فقر فراگیر و بنیادگرایی خواهد ماند و با توجه به شرایط دشوار مالی جهانی و نبود امکان تداوم کمک‌ها برای سال‌های طولانی، این آخرین فرصت مانند فرصت طلایی دو دهه اخیر، نیز از دست خواهد رفت.

چگونه گی گذار از جنگ و جای خالی عدالت انتقالی

گذار از جنگی که در ۴۰ سال اخیر این کشور ریشه دوانده، بسته گی به بازیگران داخلی و خارجی افغانستان دارد. اگر در این گذار، تلاش شود تا ریشه های اصلی منازعه شناسایی و بر اساس آن مناسباتی به وجود آید که در آن، طرف های درگیر خواست ها و اهداف شان را بدون توسل به خشونت مطرح کنند، گامی است ستوده و ارزشمند. ولی جای عدالت انتقالی که عدالت و صلح را در کشورهای پسمانزعه با هم آشتی می دهد تا با میراث باقی مانده از منازعات کنار آمده و یک صلح پایدار را تجربه کنند، خالی خواهد بود. اگر عدالت انتقالی، گذار از سازوکارهای قضایی و غیر قضایی کوتاه مدت و اغلب موقتی و همچنین فرآیندی که برای بررسی نقض حقوق بشر و خشونت در جوامع در حال گذار از دیکتاتوری به جامعه آرام باشد؛ در چنین حالتی باید از عدالت جزایی کمک گرفت و آنانی که در راس هرم جرایم قرار دارند را به میز محاکمه کشاند. اما آیا طالبان به عدالت انتقالی لیبیک خواهند گفت؟ و آیا جنایتی که در این سالیان انجام داده اند را می پذیرند؟ و چگونه با آن ها برخورد صورت بگیرد؟



دستگاه دیپلماسی کشور دارد.

به کمک های بعدی ممکن نیست.

طالبان و عدالت انتقالی

طالبان، سالیان متمادی است با ماهیت خشونت به کشتار مردم افغانستان پرداخته اند و رویکردهای عملیات انتحاری و «خودکفانک» را برای تهدید دولت و مردم افغانستان جهت رسیدن به قدرت اولویت داده اند. چنین رویکردی با مفهوم عدالت انتقالی در تعارض است و اگر صلح هم شکل بگیرد بدون توجه به ریشه های منازعه و زخم های قربانیان نهایتاً پایان موقتی جنگ خواهد بود و تداوم منازعه. ایدئولوژی طالبانی و امارت اسلامی دو مذهب کشتار طالبان را شکل می دهد که در هیچ یک از انواع عدالت اجتماعی و هیچ قاموسی از عدالت انتقالی جایگاهی ندارد. در همین حال، طالبان کشتارشان را جهاد می دانند و حاضر به کشتن اند تا به قول خودشان جهاد کنند. بنا طالبان نه تنها به عدالت انتقالی لیبیک نمی گویند، بلکه به باور خودشان، جهادشان را با پوشش خواهی و یا رفتن به میز محاکمه، لکه دار نمی سازند.

چگونه با طالبان برخورد شود؟

برای برخورد با طالبان، به ویژه در چنین شرایطی، راه کارهای متفاوت و مختلفی وجود دارد که می تواند جامعه ما را از جنگ طالبانی بگذراند. این گذار بسته گی به جهت گیری قدرت های بزرگ، صداقت نخبه گان حاکم در قدرت سیاسی، درایت نظامیان و

بیرون بکشد و کناره گیری کند. حکومت افغانستان، پس از چانه زنی های متعدد، می تواند حضور جدی پاکستان را در گفت و گوها و ترس رفتن افغانستان به کام پنجابی ها عنوان کرده و کناره برود. این راه کار نیاز به وقت کشی، طویل سازی گفت و گوهای صلح و غیره دارد.

۶. همکاری

این راه کار، بیش ترین تلاش را برای یکجا شدن می کند تا به گونه ای جمعی یعنی هم دولت افغانستان و هم طالبان برای حل مشکل افغانستان تلاش کنند. این راه کار زمانی قابلیت عملی شدن دارد که گروه ها از نظر سیاسی، نظامی و دیپلماتیک در یک سطح قرار داشته باشند. منظور ما از یک سطح این است که هر دو گروه در میدان های جنگ و سیاست، موازی حرکت کنند.

۷. راه کار پافشاری بر تامین عدالت انتقالی

حکومت افغانستان در صورتی که می بیند، گفت و گوها نقش حاکمیت مردم را در قدرت، تمامیت ارضی و آزادی های پسین را زیر سوال قرار می دهد، می تواند با پیشکش کردن عدالت انتقالی و به میز محاکمه کشاندن قاتلان مردم افغانستان، که در صفوف طالبان قرار دارند، کنار بکشد.

نتیجه گیری:

گذار از جنگ طالبانی، نیازمند تعهد جدی قدرت های بزرگ، کشورهای منطقه ای و همسایه گان افغانستان است. این گذار صداقت نخبه گان حاکم در قدرت سیاسی و از خودگذری طالبان را می خواهد. ولی گذار از جنگ ۴۰ ساله در افغانستان، نیازمند بررسی دقیق ریشه های منازعه و سنجش مکانیسم دقیق ثبات و ایجاد توازن قدرت در جامعه است. می توان از راه کارهای، سیاست خارجی فعال با راه کار تهاجمی، راه کار تعامل، راه کار درگیری، راه کار توافق، راه کار کناره گیری، راه کار همکاری و راه کار پافشاری بر تامین عدالت انتقالی جهت گذار از جنگ کنونی استفاده کرد. اما در هر صورتی، جایگاه عدالت انتقالی و رسیده گی به قربانیان و متضرران جنگ های طالبانی، خالی خواهد بود و طالبان باور دارند که جنگ و کشتارشان جهاد است و هیچ گاهی با پوشش خواهی و رفتن به میز محاکمه، آن را لکه دار نمی سازند.

۱. سیاست خارجی فعال و راه کار تهاجمی

این راه کار نیازمند سیاست خارجی فعال، برای منزوی سازی طالبان در عرصه ی بین المللی است. این راه کار می تواند که از کشورهایی چون هند، در اقناع قدرت های تاثیرگذار در جهت گیری های سیاسی افغانستان استفاده کند. در همین حال، دستگاه نظامی کشور مستلزم تهاجم نظامی بر دشمن خواهد بود. رویکرد تهاجمی نیازمند درایت و امکانات نظامی برای سرکوب طالبان است.

۲. راه کار تعامل

راه کار دیگر تعامل است، منظورم از تعامل این است که طرف های درگیر یعنی دولت افغانستان و گروه طالبان در چانه زنی زیر عنوان پروسه ی صلح، از برخی خواسته های شان بگذرند و زمینه را برای تشکیل حکومت مشترک فراهم سازند. این راه کار نیازمند سازش و از خودگذری طرف ها است. در این راه کار، دولت افغانستان و گروه طالبان باید از خودگذری داشته باشند تا جامعه ی آرام برای نسل های آینده را شکل دهند. راه کار تعامل در شرایط کنونی افغانستان که سیاست چنین کشورهای متغیر وابسته از قدرت های بزرگ است، بدون فشار کافی امریکا و توافق

۳. راه کار درگیری

این راه کار تمایل به اداره کردن، ایجاد فشار و کشاندن قضیه به جنگ دارد. در این راه کار دولت افغانستان باید ادبیات تداوم جنگ و ایجاد مکانیسم های کمکی نظامی خارجی را پیدا کند و سپس وارد چنین رویکرد شود. ولی حکومت افغانستان در شرایط کنونی تمامی فرصت هایش را در جهت درگیری و جنگ از دست داده است.

۴. راه کار توافق

این راه کار، تمایل به توافق با جناح مقابل دارد و در صورتی که دولت افغانستان این راه کار را بپذیرد، مجبور است به خواسته های طالبان تن بدهد. از جنگ و زورگویی چشم پوشی کند و آماده گی تسلیم شدن را بگیرد. در شرایط کنونی، کشورهایی که تا دیروز طرفدار نظام مردم سالار بودند، امروز با گروه طالبان تعامل کرده اند و برای شان مردم سالاری اهمیت چندانی ندارد.

۵. کناره گیری

منظور ما از این راه کار این است که دولت افغانستان با ایجاد ادبیات خاصی، می تواند از توافق پای خود را

در سایه ی ناامن افراطیت؛

«برخی دختران در بامیان، اجازه ندارند مکتب را به پایان برسانند»

بانو رضایی می افزاید، آنان سالانه برنامه های مشخصی در بخش آموزش و پرورش دارند که گاهی در برخی ولسوالی ها، به دلیل ناامنی، با مشکل روبه رو می شود: «ریاست امور زنان بامیان، با همکاری وزارت معارف، سالانه کمپین افزایش شمولیت دختران در مکتب را برگزار می کند. ما پیش از اجرای برنامه با مسوولان امنیتی هم آهنگی های لازم را انجام می دهیم و در صورت ناممکن بودن رفع خطر، کم تر به آن مناطق می رویم.»



گفت و گوی شبکه ی جامعه ی مدنی و حقوق بشر با ذکیه رضایی، رییس امور زنان بامیان

با این که از بامیان همواره به عنوان یکی از ولایت های امن کشور، به ویژه برای بانوان یاد شده، اما گویا در برخی از مناطق آن، ناامنی و اندیشه های افراطی به مشکلی جدی برای زنان و دختران تبدیل شده است. ذکیه رضایی، رییس امور زنان بامیان، در گفت و گویی با شبکه ی جامعه ی مدنی و حقوق بشر (از این به بعد «شبکه») می گوید، در برخی ولسوالی های این ولایت، به دلیل وجود «فکار طالبانی»، دختران اجازه دارند حداکثر تا پایان دوره ی ابتدایی درس بخوانند. وی می افزاید، هم اکنون نزدیک به ۴۷ درصد از دختران در بامیان، در مکتب درس می خوانند، اما شمار دانش آموزان دختر هر سال در دوره ی لیسه، در برخی ولسوالی ها با کاهش روبه رو می شود. بانو رضایی می افزاید، آنان سالانه برنامه های مشخصی

به دلیل ساختار سنتی جامعه، برخی اداره ها فضای مردسالار دارند. مشکل دیگر، نبود امکانات برای زنان است، امکاناتی چون کودکستان محل کار که در قوانین به عنوان یکی از حقوق زنان شاغل به آن اشاره شده است. با وجود مشکلاتی که به آن ها اشاره شد، به گفته ی بانو رضایی، زنان بامیان در سال های پس از سقوط طالبان، دست آوردهایی در حوزه های سیاسی، اقتصادی و ورزشی داشته اند.

حضور زنان در راس حکومت محلی، فعالیت در اقتصادهای کوچک و حضور در مسابقات بین المللی ورزشی، بخشی از دست آوردهای زنان بامیان است که بانو رضایی به آن ها اشاره می کند.

شبکه: با در نظر داشت مشکلات و دست آوردهای زنان بامیان در بخش های گوناگون، انتظار آنان از گفت و گوهای صلح چیست؟

رضایی: یکی از خواسته های زنان، حفظ دست آوردهای

در بخش آموزش و پرورش دارند که گاهی در برخی ولسوالی ها، به دلیل ناامنی، با مشکل روبه رو می شود: «ریاست امور زنان بامیان، با همکاری وزارت معارف، سالانه کمپین افزایش شمولیت دختران در مکتب را برگزار می کند. ما پیش از اجرای برنامه با مسوولان امنیتی هم آهنگی های لازم را انجام می دهیم و در صورت ناممکن بودن رفع خطر، کم تر به آن مناطق می رویم.»

حس در خطر بودن، تنها زنان ولسوالی ها و روستاهای ناامن بامیان را آزار نمی دهد، بلکه بانوان شاغلی که در محیط های کاری نامصون کار می کنند، نیز همواره با مشکلاتی دست به گریبانند.

شبکه: زنان بامیان در محل کارشان، چه مشکلاتی دارند؟

رضایی: گاهی شکایت هایی در مورد آزار و اذیت زنان در محیط کاری وجود دارد؛ البته منظور، آزار فیزیکی و روانی است. یکی دیگر از مشکلات، این است که

صلح واژه‌ی آرامش‌بخش و بی‌دغدغه برای هر سرزمین است، اما تأمین این آرامش در عمل برای هر کشور جنگ‌زده خیلی طولانی و دشوار است. از این رو افغانستان از جمله کشورهایی است که برای دست‌یافتن به صلح و پایان جنگ با فراز و فرودهای زیادی مواجه بوده و هنوز هم از پایان ماجرا یک دورنمای روشن ندارد. اما آن‌چه در ادبیات صلح و جنگ به عنوان یک نقطه مهم و حیاتی متصور است، این است که «هر جنگی را پایانی است»، به همین لحاظ تلاش‌های صلح در چند سال اخیر راه‌گشایی برای آغاز مذاکرات میان افغانان در قطر شده است.

برای پایان منازعه در هر کشور به خصوص در افغانستان، ناگزیر باید از یک‌سری مدل‌های حل منازعه و تجربه‌های صلح کشورهای مختلف استفاده کرد. در این مقاله روی سه مدل حل منازعه برای پایان جنگ در افغانستان پرداخته شده است.

این مقاله بیان‌گر سه مدل حل منازعه از کشورهای کلمبیا، فلیپین و ایرلند شمالی است که نقاط مشترک نزدیک با وضعیت جنگ و صلح افغانستان دارد. در واقع مدل‌های ذکر شده توانسته در کشورهای مختلف، صلح و ثبات را به ارمغان بیاورد.

مدل‌های حل منازعه برای افغانستان

مدل نخست، حل منازعه‌ی فلیپین (فشار، مذاکره و نتیجه)

فلیپین کشوری است که با یک مدل با روی کرد چهارگانه به منازعه ۴۰ساله‌ی خود نقطه پایان گذاشته است.

استراتژی فلیپین برای موفق شدن در مذاکرات صلح **نخست**: ایجاد گروه تماس بین‌المللی برای اعتمادسازی دو طرف مذاکره‌کننده

فلیپین در روی کرد نخست خود گروه تماس بین‌المللی را به عنوان حامی مذاکرات ایجاد کرد تا مذاکرات از حامیان برجسته‌ای برخوردار باشد. این گروه متشکل از چهار کشور بریتانیا، جاپان، ترکیه و عربستان سعودی بود.

دوم: شناخت پاشنه آشیل طرف مذاکره‌کننده برای اقناع طرف

در گام دوم نقاط ضعف گروه شورشیان اسلام‌گرای مورو را شناختند و توانستند در گفت‌وگوهای صلح موفق شوند.

سوم: لابی‌گران تخریکی و تمام‌عیار در ترکیب هیات مذاکره‌کننده

در گام بعد، لابی‌گران بسیار ماهر را در ترکیب هیات مذاکره‌کننده‌ی خود شکل داد که در راس آن مریم کروئل-فرر نماینده‌ی ارشد دولت فلیپین مذاکرات صلح را رهبری می‌کرد.

چهارم: داشتن ضمانت اجرایی کشوری که مذاکرات برگزار می‌شود

در گام اخیر مالیزیا را به عنوان کشوری انتخاب کرد که از جایگاه خوبی برخوردار بود و مورد اعتماد دو طرف قرار گرفته بود.

دولت فلیپین پس از ۴۰ سال جنگ با شورشیان

مدل‌های حل منازعه برای افغانستان و دورنمای مذاکرات صلح دوحه

اسلام‌گرای مورو در مدت ۱۷ سال ۴۷ بار به میز مذاکره رفت و سرانجام با روی‌کرد چهارگانه‌ی بالا با گروه شورشیان «مورو» با ۱۵۰۰۰ جنگ‌جو، توافق صلح امضا کرد و به جنگ ۴۰ ساله نقطه پایان گذاشته شد.

دلیل این موفقیت، همان انتخاب شگرد دولت فلیپین با روی‌کرد «فشار، مذاکره و نتیجه» بود؛ به این معنا که هم‌زمان در میدان جنگ فشار وارد می‌کرد و در میز مذاکره لابی‌گری می‌کرد و در نهایت به نتیجه رسید و به صلح و ثبات دست یافت.

توافق کلمبیا با گروه فارک (اجماع ملی، لابی‌گری و الگوبرداری)

کلمبیا، چهارمین کشور بزرگ امریکای جنوبی است که پس از ۵۰ سال منازعه‌ی مسلحانه با گروهی ایدیولوژیک به نام فارک، به توافق صلح دست یافت.

مذاکرات صلح کلمبیا در سال ۲۰۱۲ میان گروه فارک و دولت کلمبیا در منطقه مرزی با ونزوئلا آغاز شد. سپس این مذاکرات به کیوبا کشانیده شد. در این مذاکرات کیوبا نقش تسهیل‌کننده داشت و دولت ناروی نقش منشی و مدیریت مذاکرات را برعهده داشت. نقش ناروی در این مذاکرات بسیار حیاتی بود. ناروی به عنوان کشوری که پیشینه‌ی حل منازعات متعددی دارد، در مذاکرات صلح کلمبیا تضمین‌کننده‌ی معاهده صلح بود.

موضوعات محوری توافق‌نامه‌ی صلح کلمبیا با گروه فارک

- خلع سلاح شدن گروه فارک پس از توافق؛
- تشکیل محکمه خاص برای بررسی پرونده‌ی کم‌از‌کم هزار مورد نقض حقوق بشر؛
- تعهد برای مبارزه جدی با قاچاق و مواد مخدر؛
- توسعه‌ی روستاها که مردم خودشان مالک زمین‌شان باشند و حکومت از آنان حمایت کند.

آن‌چه که کلمبیا برای توافق صلح با گروه فارک تجربه کرد

الف) تشکیل اجماع ملی و اراده‌ی قوی سیاسی برای پایان بحران جنگ در میان افکار عامه کلمبیا
حکومت کلمبیا در نخستین گام اجماع ملی را میان همه‌ی طرف‌ها ایجاد کرد، طرف‌های سیاسی را برای دست‌یافتن به صلح قناعت داد و صدای واحد برای مذاکرات صلح ایجاد شد.

ب) تهیه یک آجندای مشخص برای مذاکرات صلح
کلمبیا آجندای مذاکرات را به عنوان کلید صلح یاد می‌کرد و پس از تهیه و نهایی شدن محورهای مذاکرات، این آجندا را با تمام طرف‌های داخلی در میان گذاشت و سپس روی آن توافق صورت گرفت و در نهایت توانست در گفت‌وگوهای رودرو با گروه فارک به توافق برسد.

ج) انتخاب یک کشور سوم و بی‌طرف برای گفت‌وگوهای صلح

دولت کلمبیا باور داشت که مکان سومی بی‌طرف می‌تواند نقش سرنوشت‌ساز در کامیابی و به نتیجه رسیدن مذاکرات داشته باشد.

در نهایت کلمبیا، پس از ۵۰ سال منازعه‌ی مسلحانه با یک گروه ایدیولوژیک به نام فارک موفق شد در سال ۲۰۱۶ معاهده‌ی صلح را امضا کند. مذاکرات صلح کلمبیا با گروه فارک در سال ۲۰۱۲ آغاز شد و در سال ۲۰۱۶ دو طرف توافق صلح را امضا کردند.

هرچند بخش وسیعی از اعضای گروه فارک به پیمان صلح متعهد ماندند، اما بخش کوچکی از آن که اکنون خودشان را گروه «یلین» می‌خوانند، با حدود ۲۵۰۰ جنگ‌جو در جنگل‌های کلمبیا هم‌چنان در برابر دولت می‌جنگند.

حل منازعه ایرلند شمالی (مذاکرات پشت پرده، اعتمادسازی و نگذاشتن پیش‌شرط برای آغاز مذاکره)

خلاف کشورهای دیگر، ایرلند شمالی تیم خاص مذاکره‌کننده‌ی برای مذاکرات صلح نداشت و تنها جاناتان پاول، مذاکره‌کننده‌ی ارشد تونی بلر، نخست‌وزیر وقت بریتانیا، در بحران ایرلند شمالی بود.

روی‌کردهای مدل صلح ایرلند شمالی برای توافق صلح (جمعه خوب)

- مذاکرات پشت پرده سنگ‌بنای مذاکرات اصلی جاناتان پاول، مذاکره‌کننده‌ی ارشد تونی بلر، باور دارد که هرگاه در پشت پرده مذاکرات بتواند به نتیجه ابتدایی برسد، برایند مذاکرات رودرو مثبت است.
- گزینش رهبر مقتدر برای پیش‌برد مذاکرات با طرف مقابل

مورد دیگری که مهم است، این است که هیات مذاکره‌کننده باید از ظرفیت و قدرت لابی‌گری فوق‌العاده برخوردار باشد تا از شگردهای مختلف برای دست‌یافتن به یک توافق مطلوب استفاده کند.

- اعتمادسازی گام‌به‌گام برای طرف مذاکره‌کننده
- گزینه‌ی دیگری که از موضوعات مهم و حیاتی در گفت‌وگوهای صلح خوانده می‌شود، اعتمادسازی دو طرف در مذاکرات است. هرگاه دو طرف شک و تردیدی بالای یک‌دیگر در مذاکرات نداشته باشند، این روند به گونه‌ی موفقانه پایان می‌یابد.
- پیش‌شرط نگذاشتن برای آغاز مذاکرات

یکی از مسایل مهم در مدل ایرلند این است که مذاکرات صلح باید بدون پیش‌شرط آغاز شود و موارد مهم و برجسته در صدر موضوعات مذاکره باشد.

بحران ایرلند شمالی از سال ۱۹۶۸ آغاز شد و تا ۱۹۹۸ که دولت کارگر به رهبری تونی بلر توافق صلح را امضا کرد، ادامه داشت.

توافق ۱۹۹۸ که به توافق جمعه خوب نیز مشهور است، نقطه عطفی برای مدیریت جنگ و مناقشه در ایرلند شمالی محسوب می‌شود. ویژه‌گی دوران پس از این توافق در ایرلند شمالی، کاهش سطح منازعات و رشد فزاینده اقتصادی به همراه بهبود شرایط اجتماعی شده بوده است.

افغانستان و الگوبرداری از سه مدل حل منازعه

براساس تجربه‌های سه کشوری که در این مقاله به گونه‌ی همه‌جانبه به آن پرداخته شد، افغانستان به عنوان کشوری

◆ نجیب‌الله دقیق، خبرنگار

که در حال منازعه است، می‌تواند از تجربه و مدل‌های این کشورها برای حل منازعه‌ی خود استفاده کند.

با این وجود می‌توان نقاط برجسته و مهم را از تجربه این سه کشور به عنوان نسخه‌ی دست‌یافتن به صلح ارایه داشت.

ده درس از حل سه مدل منازعه برای مذاکرات صلح افغانستان

- حکومت باید در میدان جنگ بالای طالبان فشار بیش‌تر از پیش وارد کند و لابی‌گری قدرت‌مندانه در مذاکرات صلح در دوحه از خود به نمایش بگذارد.
- هیات مذاکره‌کننده صلح باید تلاش کند تا از ترندهای مختلف برای اقناع طالبان در رسیدن به یک توافق مطلوب استفاده کند.
- هیات ۲۱ نفری صلح حکومت باید تلاش کند تا پاشنه آشیل طالبان را در میز مذاکره درک و از نقاط ضعف این گروه به نفع خود استفاده کند.
- هیات مذاکره‌کننده باید نهایت تلاش خود را بکند تا با لابی‌گری پرقدرت وارد مذاکرات شود و سکان روند مذاکره را از آغاز به دست داشته باشد.

۵. هیچ پیش‌شرطی باید برای تداوم مذاکرات صلح از سوی هیات حکومت مطرح نشود و با شگردهای مختلف باید تلاش برای ادامه این مذاکرات صورت گیرد.

۶.هیات مذاکره‌کننده‌ی صلح افغانستان باید گام‌به‌گام در پی اعتمادسازی با طرف مقابل باشد و این گام می‌تواند سازنده و سرنوشت‌ساز برای تداوم فرایند صلح باشد.

۷.هیات صلح حکومت باید تمرکز بیش‌تر بالای آجندای اصلی داشته باشد و نباید مذاکره به حاشیه‌ها کشانیده شود. آن‌چنانی که معلوم است، مهم‌ترین آجندای حکومت، حفظ نظام جمهوریت است.

۸. نقش کشورهای منطقه باید در روند صلح افغانستان محسوس و روشن باشد تا یک اجماع مناسب میان کشورهای منطقه در مورد صلح افغانستان ایجاد شود.

۹. مورد محوری دیگری که می‌شود از درون سه مدل صلح برداشت کرد، این است که تجربه این سه کشور نشان می‌دهد که سعی شود تا حامیان گروه‌های مخالف قانع شوند. حکومت باید تا آغاز مذاکرات دوحه بی‌نهایت کوشش کند تا پاکستان که همواره به عنوان حامی گروه‌های تروریستی خوانده می‌شود، قناعت داده شود که برای پایان جنگ، افغانستان را همکاری کند.

۱۰. از مهم‌ترین، کلیدی‌ترین و اساسی‌ترین موارد برای دست‌یافتن به صلح، ضمانت اجرایی کشوری است که در آن‌جا مذاکره انجام می‌شود. آن‌چه که در حل منازعات قابل تأمل است، پیشینه‌ی کشور میزبان مذاکرات است. نخستین دور مذاکرات صلح کشور در دوحه، پایتخت قطر، برگزار می‌شود، اما آن‌چه پیشینه‌ی حل منازعه قطر نشان می‌دهد، متأسفانه یک تصویر امیدوارکننده نیست؛ به این دلیل که در چند سال اخیر قطر من‌حیث یک کشور تسهیل‌کننده در حل منازعات کشورهای عراق، سوریه، لیبیا، یمن و لبنان نتوانسته موفقانه منازعه‌ی این کشورها را به اتمام برساند، چون ضمانت اجرایی ندارد. توافق‌نامه‌ی واشنگتن طالبان در دوحه به وضاحت نشان داد که دو طرف متهم به نقض توافق‌نامه شدند.

به عنوان حرف پایانی می‌خواهم بگویم که دولت افغانستان می‌تواند از تجربه‌های این سه کشور به عنوان الگو برای حل منازعه در افغانستان استفاده کند.

آیا جایگاه زنان در نهادهای دولتی افزایش یافته است؟

مردان قرار دارد.

جایگاه و سهم زنان در حکومت‌داری محلی نیز روایت بهتری ندارد. از ۲۰۰۱ بدین‌سو نظام نو شکل گرفت، تنها در ولایت‌های بامیان و دایکندی و غور، زنانی به حیث والی، آن هم برای زمان‌های کوتاه، تعیین شده بودند، اما حالا هیچ زنی به حیث والی در هیچ ولایتی تعیین نشده است.

جایگاه زنان در میان اعضای هیأت مذاکره‌کننده دولت افغانستان با طالبان نیز کم‌تر از ادعای رییس جمهور است. از میان ۲۱ تن عضو هیأت، تنها پنج تن از میان زنان برگزیده شده‌اند که تنها ۲۳.۸ درصد را تشکیل می‌دهد.

در همان لویه‌جرگه مشورتی‌ای که اشرف غنی ادعا کرد، سهم زنان در حکومتش به ۳۰ درصد افزایش یافته است، از میان سه هزار و ۲۰۰ اشتراک‌کننده، تنها ۷۲۰ تن، زن بودند که درصدی آن به ۲۲ ممیز می‌رسد.

◆ عبدالهادی شریفی

نامزد دکتری مدیریت منابع انسانی در هند

محمداشرف غنی رییس جمهور، در مراسم افتتاح لویه‌جرگه مشورتی صلح درباره جایگاه و سهم زنان در حکومت افغانستان گفت: «حضور برجسته زنان افغانستان هم در شورای ملی و هم در تمام نهادها – که امروز حضورشان به ۳۰ درصد رسیده – و هم در لویه‌جرگه مشورتی، بر رونق جرگه می‌افزاید.» پرسشی که به میان می‌آید این است، آیا همان گونه که رییس جمهور گفته است، جایگاه زنان در نهادهای دولتی افزایش یافته است؟ اگر «بلی» این افزایش در کدام بخش‌ها بوده و چقدر است؟ در این نبشته تلاش می‌کنیم تا به این پرسش‌ها پاسخ بدهیم.

هفته گذشته، ارگ ریاست جمهوری لیست باقی مانده نامزدوزیران را معرفی کرد که در میان ۱۰ تن، تنها یک بانو شامل است. هم‌چنان پیش از این در میان نامزدوزیرانی که معرفی شده‌اند، تنها دو تن بانو بودند. اگر فرض را بر این بگیریم که نامزد وزارت اقتصاد – که تاکنون معرفی نشده است – نیز بانو باشد؛ در مجموع در میان ۲۴ نامزدوزیر، تنها چهار زن شامل می‌شود. این یعنی ۱۶۶ درصد.

از سوی دیگر لیست اعضای شورای مصالحه ملی کشور نیز هفته گذشته اعلان شد. با آن‌که سپیدار به

سریچی از توافق صلح:

طالبان رهاشده دوباره به میدان جنگ رفته‌اند

یک تحقیق محرم که توسط «فارین پالیسی» به دست آمده، نشان می‌دهد که اکثریت طالبان که برحسب توافق‌نامه میان رهبری گروه شورشی طالبان و ایالات متحده امریکا صورت گرفته، دوباره سلاح به شانه کرده‌اند تا نیروهای امنیتی را نشانه بگیرند و «جهاد» شان را به خاطر براندازی حکومت تحت حمایت امریکایی‌ها و جایگزین‌سازی امارت اسلامی ادامه بدهند.

نویسنده: لین او دونیل (LYNNE O'DONNELL)

منبع: فارین پالیسی

برگردان: حارث جبران



طالبانی که توسط حکومت افغانستان بر اساس توافق‌نامه ایالات متحده امریکا، به هدف ختم جنگ تقریباً ۲۰ ساله رها شده بودند، دوباره من حیث فرمانده و یا جنگ‌جو به خط جنگ برگشته‌اند. این مورد نقض آشکار تعهدی است که گروه شورشی طالبان به کاخ سفید سپرده بوده‌اند.

یک تحقیق محرم که توسط «فارین پالیسی» به دست آمده، نشان می‌دهد که اکثریت طالبان که برحسب توافق‌نامه میان رهبری گروه شورشی طالبان و ایالات متحده امریکا صورت گرفته، دوباره سلاح به شانه کرده‌اند تا نیروهای امنیتی را نشانه بگیرند و «جهاد» شان را به خاطر براندازی حکومت تحت حمایت امریکایی‌ها و جایگزین‌سازی امارت اسلامی ادامه بدهند.

یک نسخه منتشر نشده توسط «پروژه دیالوگ صلح افغانستان» در دانشگاه کیون در بلفاست-ایرلند شمالی، که توسط دو متخصص این بخش، به نام‌های مایکل سمیل و فلیکس کیهن به پیش برده می‌شود، نشان می‌دهد «زندانیان رهاشده طالبان در جنگ‌ها اشتراک کرده‌اند، برخی کشته شده‌اند، شماری دوباره بازداشت شده‌اند و در یک مورد نیز، یک زندانی طالب رها شده، توسط یک متضرر در یک عمل انتقام‌جویانه ترور شده است.»

نزدیک به اکثریت، یا ۶۸ درصد از کمیت ۱۰۸ نفری طالبان که رها شده‌اند، در این تحقیق پروفایل شده‌اند و نشان می‌دهد که دوباره این زندانیان به صفوف جنگی طالبان پیوسته‌اند و فعالیت‌های شورش‌گری را از سر گرفته‌اند. این دسته از طالبان به صفوف جنگی ادغام شده‌اند و فعالیت‌های نظامی و سیاسی‌ای که به گونه‌ی بنیادین نشان‌دهنده تلاش این گروه در امر استمرار جنگ است را به پیش می‌برند. (سمیل-کیهن)

این تحقیق نشان می‌دهد: «عده‌ای از طالبان رها شده دوباره در سمت فرماندهی قرار گرفته‌اند در این میان دو زندانی رها شده در موقف تصمیم‌گیری و فرماندهی نیروهای شان قرار گرفته‌اند که قبلاً برادر و یا فرزندان‌شان به گونه‌ی موقت از امور این مسوولیت‌ها رسیده‌گی می‌کردند. عده‌ای دیگرشان صاحب مقام‌های رسمی در اداره طالبان شده‌اند و شایعه وجود دارد که تعدادی از آنان پس از رهایی من حیث ولسوالی نام‌نهاد، که در راس امور نظامی و مردمی ولسوالی است، مقرر شده‌اند.»

بر مبنای همین تحقیق، هشت درصد از مصاحبه‌شونده‌گان طالب، هنوز هم علاقه‌مندی جدی رفتن به خطوط جنگ دارند، ولی با ممانعت و واکنش خانواده‌های‌شان، مخصوصاً خانم‌های‌شان روبه‌رو شده‌اند. ۲۴ تا ۲۷ درصد دیگرشان مایل به پیوستن دوباره به صفوف طالبان نیستند و دلایل گوناگونی دارند، احتمالاً ترجیح دادند تا به زنده‌گی عادی و ملکی‌شان برگردند.

یک مقام عالی‌رتبه افغان، که به شرط فاش نشدن هویتش سخن می‌گفت، توضیح داد: «تحقیقی که صورت گرفته، نسبت خوبی دارد با بررسی‌هایی که ما انجام داده‌ایم.»

تحقیق انجام شده، گمانه‌های منفی نسبت به طالبان و تعهدات‌شان در پیوند به کاهش خشونت‌ها، عدم حضور دوباره در خطوط جنگ و پابندی به برخی

انستیتوت جهانی صلح، امنیت و عدالت برای دانشگاه کیون صورت گرفته نشان می‌دهد که اکثریت طالبان رها شده دوباره به خطوط جنگ برگشته‌اند و یا منصب‌های خودخوانده برای خود طراحی کرده‌اند. تعهد طالبان برای مردم مبنی بر این‌که پس از رهایی دوباره به جنگ نمی‌روند، خیلی بی‌معنا بود. یکی از مصاحبه‌شونده‌گان گفت: «عدم برگشت ما به جنگ یک فریب آشکارا با نیروهای خارجی بود. ما رهاشده‌گان دوباره به خاطر جهاد به صفوف خودمان می‌رویم و در برابر اشغال تا تاسیس امارت اسلامی می‌جنگیم.»

کمیسیون امور زندانیان طالبان در ۲۷ می، اعلامیه‌ای را نشر کرد که حاوی موارد توصیه‌ای برای زندانیان رها شده از بند بود و در بخشی از این اعلامیه تاکید شده که تمام زندانیان رها شده به زنده‌گی مسالمت‌آمیز برگردند و در کنار خانواده‌های‌شان به زنده‌گی ادامه بدهند.

بر اساس تحقیق انجام شده در دانشگاه کیون، سمیل و کیهن می‌گویند: «هیچ سوالی مبنی بر این‌که طالبان دوباره به صفوف‌شان بر می‌گردند، وجود ندارد، چون هنوز هم پابند به ادامه جهاد اند و با رفتن دوباره به خطوط جنگ راه‌کارهای تدوین شده توسط رهبران‌شان را عملی می‌کنند و تلاش می‌کنند تا روند جهادیسیم مختل نشود.»

عده‌ای دیگر از مصاحبه‌شونده‌گان (طالب‌ها) وضعیت را درک کرده‌اند و تاکید دارند که نباید بر اساس یک فریب دیگر طالبان دوباره شریک جنگ شوند. آن‌ها تاکید دارند مسأله‌ی این‌که زندانیان رهاشده حق ندارند دوباره به خطوط جنگ برگردند، باید جدی گرفته شود.

مقامات ارشد نظامی امریکا نسبت به تعهد طالبان و پابندی آن‌ها به توافق‌نامه دوحه تشویش دارند. هر چند نسبت به خروج نیروهای امریکایی هنوز هیچ تغییری در نظر نیست و روند خروج ادامه خواهد داشت. هنوز تقریباً هشت هزار و ۶۰۰ سرباز در افغانستان باقی مانده‌اند، در حالی‌که این رقم قبل از توافق دوحه به ۱۳ هزار نیرو می‌رسید. خروج عده‌ای دیگر در ماه آینده صورت می‌گیرد. رییس جمهور ترمپ در آخرین مصاحبه خود گفت: «رقم نیروهای ما تا انتخابات امریکا به چهار هزار تا پنج هزار خواهد رسید.»

بعضی از مقامات نظامی امریکا به گونه‌ی آشکار از ارتباط دوام‌دار طالبان و القاعده حرف زدند. فرمانده فرماندهی مرکزی جنرال کینت مک کینز در ماه جون گفت: «طالبان قادر به عملی کردن کلیت توافق‌نامه دوحه نیستند. من فکر می‌کنم، آن‌ها می‌خواهند خودشان را شریک با اعتماد و خوب جلوه بدهند.»

یک مقام حکومت افغانستان اشاره نمود که ایالات متحده امریکا از نحوه عملی‌شدن موافقت‌نامه تا این دم ناراضی است. او هم‌چنان افزود که تحقیق دانشگاه کیون نشان می‌دهد که طالبان به مدیریت کشمکش‌های درونی‌شان نیاز دارند. آن‌ها تلاش دارند نیروهای رزمی‌شان را آرایش بدهند تا حجم خشونت‌ها بلند برود و تاکید بر صلح، جز حاشیه‌ها و لفاظی بیش نیست.

او هم‌چنان علاوه کرد که آن‌ها باید در عمل نشان بدهند که صلح را می‌خواهند و مطمئناً این توقع وجود دارد تا امریکایی‌ها، آن‌ها را برای تحقق موافقت‌نامه، مخصوصاً در فصل قبل از رهایی زندانیان، کمک کنند.

تمرین خوب اعتمادسازی میان حکومت افغانستان و مخالفانش است. رهبران طالبان تعهد سپرده‌اند که زندانیان رهاشده دوباره نیروهای رزمی آن‌ها نخواهند بود، بلکه در بدل کمک مالی دولت قطر که میزبان دفتر سیاسی طالبان است، به سمت زنده‌گی مسالمت‌آمیز خواهند رفت.

قرار بود پس از توافق‌نامه دوحه، تبادل پنج هزار زندانی طالب در برابر یک هزار زندانی نیروهای امنیتی در هفته اول صورت گیرد. اما پس از کشمکش‌های بسیار سیاسی، این روند طولانی شد. اخیراً کشورهای آسترالیا و فرانسه از روند رهایی زندانیانی که متهم به کشتن سربازان آن کشورها هستند، انتقاد کرده‌اند. رییس جمهور غنی جهت کسب رضایت عمومی، جرگه‌ی مشورتی را فراخواند تا روی سرنوشت زندانیان باقی مانده اجماع شکل بگیرد. اعضای لویه‌جرگه به توافق رسیدند تا زندانیان رها شود، اما یک مقام امنیتی گفت: «زندانیان باقی‌مانده پس از رهایی کماندوهای افغان توسط طالبان رها خواهند شد.»

پس از رهایی زندانیان، دو طرف توقع داشتند تا روی مکانیسم گفت‌وگوهای صلح، کار را آغاز کنند. گروه طالبان که در پی نقش داشتن در حکومت افغانستان هستند و امارت اسلامی را دولتی در تبعید می‌دانند، آشکارا حکومت غنی را فاقد مشروعیت می‌دانند. مقامات افغان، امریکایی و جامعه بین‌المللی مشترکاً اظهار داشتند که ظاهراً طالبان در پابندی به شرایط توافق‌نامه ناکام‌اند و موقف متزلزل و شکننده دارند، اگر چه که حرکت بطی به سوی هدف دارند.

پس از ۲۹ فبروری، طالبان خشونت‌ها را تشدید بخشیده‌اند با تفاوت این‌که در آخر ماه جولای (روزهای عید) آتش‌بس موقت عملی شد. آن‌ها به گونه جدی روی این‌که بر نیروهای امریکایی حمله نمی‌کنند، تمرکز دارند، هر چند مقصر حملات راکتی بر پایگاه هلمند در ماه جولای هستند. یکی از خبرنگاران نیویارک تایمز چنین گزارش‌ارایه کرده است: «دفتر سازمان ملل سه هزار و ۵۰۰ مورد تلفات غیرنظامیانی که مشمول یک هزار و ۳۰۰ کشته در نیمه اول سال ۲۰۲۰ است را ثبت کرده است.»

بالاخره شکی که گویا طالبان در جریان مذاکرات دنبال تمامیت‌خواهی هستند، آفتابی شد. تازه‌ترین تحقیقی که توسط سناتور جورج میچیل در

شرایط دیگری که در توافق‌نامه با ایالات متحده امریکا صورت گرفته و بحث قطع رابطه با القاعده را تصدیق می‌کند. منتقدان توافق‌نامه دوحه باور دارند که طالبان با استفاده از مفاد این توافق‌نامه دنبال عینیت بخشیدن هدف نهایی‌شان، که همانا تاسیس امارت اسلامی در تیبانی با القاعده است، هستند.

این خبرها از منابع طالبان در حالی بیان می‌شود که یک مقام امنیتی افغانستان تایید کرده است که همه زندانیان از هر دو طرف آزاد شده‌اند. وی گفت که یک هیأت دولت افغانستان در حال آماده‌سازی برای عزیمت به قطر هستند. او به گونه محرمانه گفت که برای گفت‌وگوهای مستقیم با رهبری طالبان که دفتر سیاسی‌شان در قطر است، آماده‌گی می‌گیرند.

ایالات متحده امریکا در ۲۹ فبروری ۲۰۲۰، توافق‌نامه دوجانبه را با گروه طالبان به امضا رساند، که بر اساس همین توافق، واشنگتن قبول کرده تا سربازانش را از افغانستان بیرون کند و به جنگ ۲۰ ساله‌ای که پس از حادثه یازدهم سپتامبر آغاز شده بود، خاتمه بدهد. در بخش دیگر این سند، گروه شورشی طالبان تعهد سپرده تا رابطه‌اش با القاعده را قطع و هم‌چنان از حمله بر نیروهای امریکایی خودداری کند.

بحث تبادل و رهایی زندانیان طالب در واقع به عنوان نشانه آغاز گفت‌وگوها میان حکومت و طالبان تلقی می‌شود. هر دو طرف روی چیدمان و انتخاب نماینده‌گان‌شان تلاش دارند. یک مقام حکومتی گفت: «گفت‌وگوها در کم‌تر از یک هفته آغاز می‌شود.» روند خروج سربازان امریکایی بر اساس تقسیم اوقات از قبل تعیین شده قابل اجرا است. اما نکته قابل نگرانی این است که رابطه طالبان با القاعده قطع نشده، بلکه پس از توافق دوحه این رابطه نزدیک‌تر و مستحکم‌تر شده است. در توافق‌نامه‌ای که توسط آقای زلمی خلیل‌زاد، فرستاده رییس جمهور ترمپ برای صلح افغانستان امضا شده، به مسایل مواد مخدر، که در واقع عاید سالانه‌ی ۵۰۰ میلیون دالری طالبان را می‌سازد، هیچ اشاره‌ای نشده است. هم‌چنان در این سند روی نقش پاکستان که میزبان اصلی گروه‌های شورشی است و در بعضی موارد کمک‌کننده اصلی آن‌ها است، نیز اشاره‌ای نشده است، در ضمن حکومت افغانستان هم سهمی در مذاکرات نداشته است.

خلیل‌زاد اظهار کرده است که رهایی زندانیان،

برای تحقق رویاهای تان به پول نقد نیاز دارید !!!!!!!

از فرقه معاشات عزیز بانک با شرایط و ضوابط جذاب و سهل بهره مند شوید

- فرقه با پول نقدی و داتر امریکلی
- فرقه کوناد مدت برای 12 ماه
- استناد سزای سهل
- برای کارمند دولتی/ادارت ملی و بین المللی/سازمان های غیر دولتی

برای معلومات بیشتر، لطفاً به نزدیکترین نمایندگی با هم دفتر مرکزی به بخش فروش مراجعه کنید و باهم با شماره 1515 تماس بگیرید

www.azizbank.af 1515

منارعه کشمیر و اهمیت استراتژیک آن برای هند و پاکستان

زاهد آریا، کاندیدای دکتری دفاع و مطالعات استراتژیک

وصل کند. در صورتی که پاکستان و چین بتوانند در این منطقه با هم بپیوندند، سایه قدرت نظامی شان بر کل هند سنگینی خواهد کرد. اهمیت فرهنگی این منطقه به دلیل وجود اماکن مذهبی هندو، بودایی و اسلامی است که برای هر دو طرف دارای اهمیت است و دیگر این که این منطقه بر سر گذرگاه سه تمدن بزرگ جهان اسلام، کنفوسیوس و هندو قرار گرفته است که به عنوان منطقه تلاقی این سه تمدن نیز یاد می‌شود.

اهمیت استراتژیک کشمیر برای هند

۱. کشمیر از لحاظ جغرافیایی در مرکز و قلب جنوب آسیا موقعیت دارد. داشتن مرز مشترک با افغانستان، چین و روسیه از دید امنیتی و دفاعی برای هند مهم و حیاتی است.
۲. پنج رودخانه بزرگ سند، جهلم، ستلج، راوی، چناب یا از کشمیر سرچشمه می‌گیرند و یا هم از این سرزمین می‌گذرند. آب این رودخانه‌ها در کشاورزی و اقتصاد هند بسیار مهم است و داشتن تسلط بر این منطقه به هند کمک می‌کند تا از این آب‌ها به خوبی استفاده کند و حتی می‌تواند از آن، به عنوان یک هرم فشار علیه پاکستان بهره ببرد.
۳. در حال حاضر هند خود را یک بازیگر منطقه‌ای قدرت‌مند می‌داند که در حال بدل شدن به یک قدرت منطقه‌ای است، در صورتی که هند کشمیر را از دست بدهد، بر پرستیژ آن در سطح بین‌الملل صدمه وارد می‌شود و اعتبارش را از دست خواهد داد.
۴. یکی از مسیرهای ارتباطی میان جنوب آسیا و آسیا مرکزی از شمال کشمیر می‌گذرد. بخشی از این منطقه در تسلط هند و بخشی از آن در تسلط پاکستان است. این وضعیت موجب شده است تا پاکستان و چین نتوانند با هم دیگر ارتباط مستقیم نظامی در منطقه برقرار کنند. از آنجایی که چین و پاکستان دو هم‌پیمان استراتژیک و رقیب هند هستند، برای هند تسلط داشتن بر این منطقه حیاتی است.

اهمیت استراتژیک کشمیر برای پاکستان

۱. به اساس پروتکل‌های تجزیه، پاکستان مدعی است که کشمیر به اساس داشتن جمعیت اکثریت مسلمان باید به خاک پاکستان ملحق شود، در غیر آن تجزیه ناقص است.
۲. وجود بزرگراه قراقرم در کشمیر، به اهمیت این منطقه برای پاکستان افزوده است. قراقرم یکی از مسیرهای عبوری جاده ابریشم محسوب می‌شود. پس از چندین جنگ میان این دو کشور، بزرگراه قراقرم از اهمیت زیاد برخوردار شده است، زیرا این جاده تنها مسیر ارتباطی میان پاکستان و سینکینگ چین است. دهلیز اقتصادی چین - پاکستان نیز از همین منطقه می‌گذرد و هند یکی از مخالفان سرسخت این پروژه است.
۳. وابستگی شدید پاکستان به منابع آبی کشمیر، از نگرانی‌های کلان امنیت ملی پاکستان است. زیرا ۸۰ درصد منابع آبی دریای سند و پنجاب پاکستان از بلندی‌های کشمیر چشمه می‌گیرد و بیش‌تر این مناطق تحت کنترل هند است.
۴. اهمیت دیگر این منطقه برای پاکستان، ارتفاع بلند کشمیر است که برای پاکستان اجازه می‌دهد تا مناطق پیرامون را تحت نظارت داشته باشد. تسلط هند بر این منطقه، به این کشور اجازه داده است تا شهرهای بزرگ پاکستان چون لاهور، فیصل‌آباد، راولپندی، سیالکوت و اسلام‌آباد را همیشه تحت تهدید مستقیمش داشته باشد.
۵. آرزوی پاکستان برای تسلط بر تمام منطقه سیچین است. برای برقراری ارتباط مستقیم نظامی با چین که از این طریق بتواند هند را زیر تهدید نظامی داشته باشند.

کشمیر منطقه‌ای است که اگر هر یکی از این کشورها بر آن تسلط داشته باشند، نه تنها که می‌توانند از منابع آبی و طبیعی آن بهره ببرند، بل می‌توانند بر تمام منطقه نظارت داشته باشند و هر نوع تحرکات نظامی کشورهای پیرامون را زیر دید خودشان داشته باشند. موقعیت کشمیر نه تنها برای کشورهای منطقه مهم است، بلکه قدرت‌های بزرگی چون ایالات متحده آمریکا نیز به آن علاقه‌مندی فراوانی دارد و اگر بتواند بر این منطقه برای حضور نظامی‌اش جای پا باز کند، نه تنها این که می‌تواند هند و پاکستان را نظارت کند بلکه می‌تواند دو رقیب بزرگ جهانی خود روسیه و چین را نیز زیر نظر داشته باشد.



دره کشمیر که از آن به نام بهشت زمین نیز یاد می‌شود، دارای وسعت ۲۲۲ هزار و ۲۳۶ کیلومتر مربع، در قسمت‌های جنوبی آسیا، در دامنه‌ی کوه‌های همالیا و در شمال شبه قاره هند موقعیت دارد که از شمال و شرق با چین، از شمال غربی با افغانستان از غرب با پاکستان و از جنوب با هند هم‌مرز است.

طرف، جنگ به پایان رسید و سازمان ملل فیصله کرد که سرنوشت کشمیر با یک همه‌پرسی توسط مردم آن تعیین گردد. همه‌پرسی‌ای که هیچ‌گاه برگزار نشد. میانجی‌گری سازمان ملل برای شکستن بن‌بست جنگ مناسب بود، اما پایان ماجرا نبود. بار دیگر هند و پاکستان در سال ۱۹۶۵ بر سر کشمیر وارد جنگ شدند که با میانجی‌گری اتحاد جماهیر شوروی و امضای معاهده تاشکند به پایان رسید. جنگ سوم میان این دو رقیب، در سال ۱۹۷۱ صورت گرفت که دلیل آن حمایت ارتش هند از شورش استقلال‌طلبانه پاکستان شرقی بود که منجر به تجزیه‌ی پاکستان و تشکیل کشور جدید به نام بنگلادیش گردید. البته آخرین برخورد نظامی میان هند و پاکستان در سال ۱۹۹۹ رخ داده است که این جنگ به نام جنگ کارگیل معروف است و نظر به جنگ‌های قبلی، محدود بود. اما هیچ یکی از این جنگ‌ها نتوانست به بن‌بست سیاسی کشمیر نقطه پایان بگذارد. این جنگ‌ها مسأله‌ی کشمیر را بیش‌تر از هر زمان دیگر، پیچیده‌تر ساخت.

امروز کشمیر یکی از خطرناک‌ترین نقاط جهان است که دو کشور مجهد به سلاح هسته‌ای بر سر حاکمیت آن با هم رقابت دارند و بارها هم‌دیگر را با استفاده از سلاح هسته‌ای تهدید کرده‌اند. در حال حاضر قلمرو کشمیر بین سه کشور تقسیم شده است. مناطق جامو، دره کشمیر، کارگیل، سیچین، لاداک/لاداخ و بعضی مناطق دیگر که در حدود ۴۵ درصد قلمرو کشمیر را تشکیل می‌دهد و تحت حاکمیت هند است. مناطق گلگیت، بالتستان، پونچ، اوری، مظفرآباد که ۳۵ فی‌صد خاک کشمیر را تشکیل می‌دهد، تحت اداره پاکستان است و در حدود ۲۰ درصد دیگر کشمیر که شامل منطقه اقصی چین، دره گالوان و بخش‌های دیگری از لاداک می‌شود، که ارتش چین پس از جنگ سال ۱۹۶۲ از هند به زور تصرف کرده است و تحت اداره چین است و در حال حاضر نیز به دلیل نقض «خط کنترل» میان هر دو طرف منازعه جریان دارد.

اهمیت استراتژیک کشمیر

کشمیر برای هر دو طرف دارای اهمیت ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئوکلچر است و هیچ یکی از طرف‌های منازعه حاضر به عقب‌نشینی از موقعیت‌شان در رابطه به کشمیر نیستند. اهمیت استراتژیک کشمیر داشتن منابع آب فراوان، منابع طبیعی، گذرگاه تاریخی راه ابریشم است. اهمیت ژئوپلیتیک این منطقه در موجودیت یخچال‌های طبیعی سیچن (Siachen Glacier) است که برای چین و پاکستان از ارزش بالایی دارد و در حال حاضر در تسلط هند است. سیچین تنها منطقه‌ای است که می‌تواند نیروهای نظامی چین و پاکستان را به طور مستقیم با هم

مسائل مذهبی و فرهنگی‌شان را آزادانه و بدون هراس انجام دهند. بالاخره در اواسط ماه اگست سال ۱۹۴۷ هند و پاکستان به عنوان دو کشور مستقل از هم جدا شدند. تجزیه، طوری طرح‌ریزی شده بود که ایالت‌ها با اکثریت پیرو مذهب هندو به هند می‌پیوندند و ایالت‌هایی با اکثریت مسلمان به پاکستان می‌پیوندند. زمانی که تجزیه آغاز گردید، اکثریت ایالت‌ها بدون کدام مشکلی به اساس تعداد اکثریت مذهبی به یکی از این دو کشور پیوستند، اما در سه ایالت حیدرآباد، جناگد و کشمیر، چالشی به پیش آمد. چون ایالت‌های حیدرآباد و جناگد دارای اکثریت پیروان مذهب هندو بودند، ولی دارای حاکمان مسلمان و هر دو حاکم خواهان پیوستن به پاکستان بودند، که خلاف پروتکل‌های تجزیه بود و در طرف دیگر کشمیر بود، با اکثریت جمعیت مسلمان دارای حاکمی هندو که خواهان ادامه حاکمیت خود بر این منطقه بود. هند موفق شد با استفاده از زور نظامی دو حاکم مسلمان را به زیر بکشد و هر دو ایالت را ضمیمه‌ی خاک خود کند. زمانی که هند، دو ایالت را از دست حاکمان مسلمان بیرون ساخت و تحت اداره خود آورد، پاکستان نیز تصمیم گرفت تا با استفاده از زور، کشمیر را از تسلط مهاراجا هری‌سنگ، حاکم هندو، خارج کند و ضمیمه خاک خود نماید. به همین دلیل ارتش پاکستان ملیشه‌های قبایلی را به سوی کشمیر سرازیر کرد تا کشمیر را از تسلط حاکم هندو بگیرند. زمانی که ملیشه‌های قبایل در تیان با ارتش پاکستان به کشمیر هجوم بردند، مناطق پونچ، مظفرآباد، اوری و گلگیت بالتستان را تصرف کردند و به طرف شهر سرینگر پایتخت کشمیر حرکت کردند. وقتی که هری‌سنگ از پیش روی جنگ‌جویان قبایل آگاهی یافت، با شیخ عبدالله رهبر کنفرانس ملی جامو و کشمیر به دهلی سفر کرد تا از هند کمک نظامی طلب کند، چون ارتش هری‌سنگ به تنهایی توان مقابله با جنگ‌جویان قبایلی را نداشت. هنگامی که به دهلی نو، پایتخت هند رسیدند، در دیدارشان با جواهر لعل نهرو، نخست‌وزیر هند خواستار مداخله نظامی هند در کشمیر شدند تا ملیشه‌های قبایلی را بیرون برانند. اما نهرو در مقابل کمک نظامی خواهان امضای سندی شد که به اساس آن کشمیر ضمیمه‌ی هند می‌گردید. در فرجام هری‌سنگ و شیخ عبدالله در بدل کمک نظامی هند، حاضر به امضای سند الحاق کشمیر به هند شدند. پس از امضای سند، ارتش هند وارد معرکه شد و ملیشه‌های قبایل را وادار به عقب‌نشینی از سرینگر ساخت. با وارد شدن ارتش هند به کشمیر، پاکستان نیز ارتش خود را به کشمیر اعزام کرد که باعث اولین جنگ میان دو کشور گردید. به اساس میانجی‌گری سازمان ملل در جنوری سال ۱۹۴۹ با پذیرفتن آتش‌بس از جانب هر دو

دره کشمیر که از آن به نام بهشت زمین نیز یاد می‌شود، دارای وسعت ۲۲۲ هزار و ۲۳۶ کیلومتر مربع، در قسمت‌های جنوبی آسیا، در دامنه‌ی کوه‌های همالیا و در شمال شبه قاره هند موقعیت دارد که از شمال و شرق با چین، از شمال غربی با افغانستان از غرب با پاکستان و از جنوب با هند هم‌مرز است. این دره‌ی زیبا، توسط کوه‌های همالیا احاطه شده که مردم کشمیر از آن به نام نگهبانان و محافظان کشمیر یاد می‌کنند. همین موقعیت ویژه و قرار گرفتن کشمیر در دامنه‌ی کوه‌های همالیا بین سه تمدن بزرگ دنیا اسلام، هندو و کنفوسیوس ویژه‌گی دیگری است که به اهمیت آن در سطح منطقه و جهان افزوده است.

ریشه تنش‌ها

کشمیر دارای تاریخ کهن و فرهنگ غنی است. این سرزمین در طول تاریخ توسط امپراطوران و جهان‌کشایان بزرگی چون چاندرا گپتا موریا، بنیان‌گذار امپراطوری موری‌ها در هند، محمود غزنوی، محمد غوری، شاهان مغلی، شاهان افغان فتح و جزء قلمرو آن‌ها محسوب می‌شده است. مردم کشمیر پیرو مذهب هندو و بودایی بودند. اسلام در قرن سیزدهم میلادی توسط یک صوفی مسلمان از اهالی ترکستان، به نام بلبل شاه به مردم کشمیر معرفی شد. طولانی‌ترین سلسله امپراطوری‌ای که بر کشمیر حکمرانی کرده، امپراطوری ترکان مغلی هند است که برای بیش‌تر از سه سده بر آن فرمان راند. زمانی که حاکمیت آخرین امپراطور مغل، مظفرشاه بهادر توسط انگلیس‌ها به پایان رسید، اداره این منطقه به دست امپراطوری بریتانیای کبیر افتاد و جزئی از مستعمرات این کشور به شمار رفت. در سال ۱۸۴۶ حکومت هند-بریتانیایی به اساس معاهده امریتسر، کشمیر را برای یک مهاراجا ثروت‌مند هندو، از خاندان دوگراها به نام مهاراجا گلاب‌سنگ فروخت و حاکمیت آن را به وی تفویض کرد. گلاب‌سنگ سلسله دوگراها را در کشمیر بنیان گذاشت و با حمایت انگلیس‌ها برای یک قرن بر تمام قلمرو کشمیر فرمان راند. در زمان حاکمیت این خاندان مسلمانان به شدت توسط حاکمان سرکوب می‌شدند و مورد تبعیض مذهبی قرار می‌گرفتند. پس از ظلم‌های زیادی که بر مسلمانان توسط حکمرانان سلسله دوگرا صورت می‌گرفت، مسلمانان کشمیر در سال ۱۹۳۱ دست به اعتراضی گسترده علیه حکومت دوگراها زدند و حاکمیت آخرین حکمران این سلسله، مهاراجا هری سنگ را با خطر مواجه ساختند. این حرکت که از طرف قشر با سواد کشمیر رهبری می‌شد منجر به شکل گرفتن کنفرانس عمومی مسلمانان جامو و کشمیر گردید و بعدها این جنبش بنام کنفرانس ملی جامو و کشمیر تغییر نام داد. پس از خیزش مسلمانان در کشمیر، مهاراجا هری سنگ، اقدام به آوردن اصلاحات کرد. اما این اصلاحات در حدی نبود که قناعت مسلمانان را فراهم کند. بناً مسلمانان در سال ۱۹۴۶ حرکت اعتراضی دیگری را تحت نام «ترک جنبش کشمیر» علیه دوگراها بر انداختند و بار دیگر خواهان پایان تبعیض بر مسلمانان کشمیر و برگرداندن قدرت به مردم شدند. اما تحولات سیاسی پیش آمده پس از جنگ جهانی دوم وضعیت را کاملاً دگرگون ساخت. در ماه جولای ۱۹۴۷ امپراطوری هند-بریتانیایی موافقت کرد تا استقلال سیاسی هند را به رسمیت بشناسد. قبل از این که انگلیس‌ها شبه‌قاره را ترک کنند، مسلمانان شبه‌قاره خواهان سرزمین مستقل از هندوها شدند. چون رهبران مسلمان به این باور بودند که مسلمانان و هندوها متعلق به دو جامعه متفاوت هستند و از هم فرق دارند. بناً مسلمانان تحت حاکمیت اکثریت هندو نمی‌تواند به حقوق سیاسی - اجتماعی خودشان دست یابند، چون مورد تبعیض هندوها واقع می‌شوند. به این دلیل از امپراطوری بریتانیا تقاضا کردند تا مسلمانان سرزمین مستقل‌شان را داشته باشند تا در آن جا بتوانند